

# دور و ستاد در محور جاده اهواز-آبادان توسط رزمندگان انقلاب از وجود دشمن پاکسازی شد

نبرد مدافعان انقلاب با متجاوزین صدامی در تمام جبهه‌ها ادامه دارد. گزارش خبرگزاری پارس از آبادان از ادامه نبرد تویخانه مدافعان انقلاب و مزدوران صدامی خبر می‌دهد. با آتش تویخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران دیروز (یکشنبه) نیز چند سنگر محل اجتماع مزدوران متجاوز نابود شد و عده‌ای از آنان به هلاکت رسیدند. براساس این گزارش، شهر آبادان شب یکشنبه نیز زیر آتش خمپاره‌های دشمنان انقلاب قرار داشت. طی روز یکشنبه، در جبهه آبادان ۴ تن از رزمندگان انقلاب شهید و ۴۱ تن نیز مجروح شدند، که از این تعداد ۲۳ نفر بطور سریایی معالجه شدند. در جبهه خوزستان نیز از صبح دیروز (یکشنبه) نبرد با شدت ادامه داشت.



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۰  
سه شنبه ۱۸ آذر ۱۳۵۹، مطابق با  
۱ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

# لیبرالیسم، دیروز و امروز

## اعلامیه فدراسیون جوانان دمکرات عراق: جوانان عراق علیه رژیم تجاوزگر و جنگ افروز صدام می‌رزمند

### جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام تلاشی مذبوحانه برای خاموش کردن آن خیزش انقلابی که توسط انقلاب ایران در متعلقه ایجاد گردیده!

جنگ ویرانگری که رژیم مستبد عراق بر مردم ما تحمیل کرده، خشم و نگرانی شدید مردم و جوانان ما را، که طعمه آتش آن شده و بار نتایج مصیبت‌بار آن را بر دوش می‌کشند، برانگیخته است. رژیم جنایتکار صدام، که عامل کشتار خونین بهترین فرزندان خلق ما و ستم سیاسی، ملی و قومی بر مردم ما است، هم‌اکنون نیز، بدون توجه به عواقب راهی که در پیش گرفته است، با دامن‌زدن به جنگ جنایت‌بار اخیر، به ریختن خون مردم ایران و عراق مشغول است. جوانان دمکرات عراق، اعراب، اکراد و اقلیت‌های ملی، کارگران، دهقانان و دانشجویان، این قربانیان جنگ افروزی رژیم صدام، که هم‌اکنون نیز به مبارزه دلیرانه خود علیه سیاست ترور و سرکوب در عراق ادامه می‌دهند، جنگ تجاوزکارانه اخیر را در خدمت

# باشعار مرگ بر آمریکا

## برای ریشه کن ساختن نفوذ امپریالیسم، بسر کردگی امریکا از میهن انقلابی خود می‌رزمیم

«توی شعارهای ما مرگ بر آمریکا یادتان نرود». آیت‌الله منتظری در نماز جمعه قم، با اعلام این خواست از مردم ایران، بار دیگر بدستوری حیاتی‌ترین شعار انقلاب را اعلام داشت. آن‌تکه قلیشان سال‌سال از عشق توده‌هاست نیروهایی که هدفشان پیروزی انقلاب بزرگ ایران است، کسانی که جز به فدای سعادتمند خلق قهرمان ایران نمی‌اندیشند، انقلابیونی که با عقاید و ایدئولوژی‌های گوناگون، هستی خویش را وقف خلق و میهن خویش کرده‌اند و جانشان در آرزوی تاسین استقلال و آزادی واقعی و کامل ایران می‌سوزد، همه و همه یک‌زبان این شعار را تکرار میکنند: مرگ بر آمریکا!

حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها هم، که در روز ۱۳ آبان ۵۹، در لانه جاسوسی سخن می‌گفت، بر حفظ این شعار اصرار ورزید و گفت: «نیاید آرزوی که شعار «مرگ بر آمریکا» از زبان ما بیفتد، نکنند، باشعار دیگر، جای شعار «مرگ بر آمریکا» را بپرکنند.

چرا انقلابیون سراسر جهان، از جمله مردم انقلابی و قهرمان ایران، بر حفظ این شعار تأکید دارند؟ این شعار فقط شعار نیست. این شعار بر واقعیت جهان‌ما تأکید دارد و برنامه عمل است. واقعیت این است که در عصر امپریوزی خلقها تنها و تنها از معرکه‌های از سلطه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، می‌گذرد. واقعیت اینست که در جهان ما این سرمایه‌داری غارتگر جهانی و بویژه

سرماهداری‌ها آمریکا است که راه را بر رشد و تکامل جوامع بسته و میلیون‌ها انسان را به زندگی برده‌وار مجبور کرده است. این واقعیت که در جهان تحت‌ستم امپریالیسم در هیئت میلیون‌ها قربانی، هزاران تیرباران شده، ده‌ها هزار زندانی و چندین هزار شهید فریاد می‌زند، ۵۰ سال در وطن ما حضور دائم داشته است، ۵۰ سال خلقهای ستمدیده ایران و حبشیانه‌ترین جنایات و بیشرمانه‌ترین غارت‌های امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا را با خون و گوشت خود احساس کرده‌اند، و این تجربه ۵۰ ساله است که در فریاد امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و رهبران انقلابی جمهوری اسلامی ایران انعکاس می‌یابد که: «امریکا دشمن اصلی ماست».

در این فریاد، نه تنها جنایات ۵۰ سال گذشته امپریالیسم آمریکا متبلور است، بلکه جنایات امروز آن‌هم، حضور خود را فریاد می‌کند. خلقهای ایران بعد از آنکه رژیم شاه ملعون را سرنگون کردند، در تجربه هر روزه خود دیدند که: «آمریکا هر روزی به یک وسیله می‌خواهد این انقلاب اسلامی را ازین ببرد».

(آیت‌الله منتظری). خلقهای ایران در تجربه‌ای که دوسال است در متن آن می‌رزمند، و با خون فرزندان خویش در کردستان و گنبد، در تبریز و سیستان، در طیس و نوزه و در جبهه‌های جنگ با رژیم صدام به این واقعیت دست یافته‌اند که دشمن اصلی آنها امپریالیسم آمریکاست. همین تجربیات است که در فریاد رهبران مذهبی - سیاسی کشور طنین بی‌پوشته‌ای دارد:

### در مراسم بزرگداشت ۱۶ آذر گفته شد:

## باید از نفوذ خط غرب و خط آمریکا در انقلاب جلوگیری کنیم

مردم شعار می‌دادند: مناقق و سازشکار، مخالف روحانی، از مجلس اسلامی، اخراج باید گردد.

حجت‌الاسلام معادیخواه: همه توطئه آمریکا اینست که، به‌صورتی که می‌تواند، «خط امام» را بشکند.



روزی که مراسم بزرگداشت ۱۶ آذر، روز دانشجو و گرامی داشت خط‌سره شهیدان، قندچی، بزرگانیا، شریعت رضوی، با شرکت اقشار مختلف مردم در دانشگاه تهران برگزار شد.

مردم با شمارها و پلاکاردهایی که در دست داشتند، خاطره این شهیدا را، که در مبارزه با رژیم آمریکایی شاه ملعون، خون پاکشان محض دانشگاه را رنگین کرد، گرامی داشتند و سوگند

### اعلامیه سازمان حزب توده ایران در آمل:

## جبهه انقلاب را تقویت کنیم و عناصر نفاق افکن و ضد انقلابی را منزوی سازیم

مردم مبارز و مستولان متعدد آمل! در چند روز اخیر حوادث ناگوار و بشدت تأسفیبازی در شهر ما روی داده، که در شرایط حساس فعلی کشور ما، موجب نهایت نگرانی است. تاکنون در آمل در گریه‌های ناروانی که بوقوع پیوسته، عده‌ای کشته و زخمی شده‌اند. ضدانقلابیون ناموسی تلاش خود را بکار می‌برند، تا بر آتش نفاق دامن زنند و بسا

ایجاد تضییع و گسترش آن، افکار عمومی را از توطئه‌های دشمن اصلی، شیطان بزرگ - آمریکا، منحرف سازند، روحانیت مبارز و رهبری انقلاب را تضعیف کنند و زمینه را برای تحقق توطئه‌های خطرناک

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

به حزب توده ایران

# ستایش

تو آن کوهی، ستبر و سخت،

مانا همچنان در معبر توفان.

تو آن کوهی که میمانی...

توان دشتی ته میخوانی

سرودم بز رستاخیز،

در هنگامه باران.

تو آن رودی که می رانی

بسوی پهنه پیوستگی، پایستگی، دلبستگی بامان.

تو آن دریا

که گاهی نرم اما جوی، زمانی سبم کولاکی!

تو آن ایبری

که میباری بروی زخم تابستان

دوامی، التیامی،

تشنگی را چشمه سارانی.

فرا راه شب بویتدگان، همچون ستاره،

درون سینه هامان

هرم آشنک ایمانی

شعله در قلب زمستانی.

تو آن جنگل

تو آن غوغای جویباری

به شیبنگام بیداری

تو آن سرو و صنوبر،

نخل بسارآور

تو جان جنگل پاکی،

همیشه ریشه در خاکی.

تو فریادی،

تو لرزاننده از کان بیدادی

تو لرزاننده ارکان دشمن

دشمن خوبی، رهائی، عشق، پاکیب-

تو آن تیشی

که می درد، سیاهبیا، پلیدیبا، تباهیها؛

تو تیغ آذرخشی

نعره در بنیاد افلاکی.

تو بر توفنده کاری!

تو پیکاری

تو آن دست توانمندی

که می سازی، بنای همدلیها، همنوا نیبا.

برافرازاننده تیراژه سرخی!

به پهنای جهان رنج

برآریننده ایران فردانی،

تو ای پاکسی!

تو آن تیغ بلند آذرخشی

نعره در بنیاد افلاکی.

## در نبردهای...

بقیه از صفحه ۱

منهدم شده. و تعدادی از مزدوران عراق به-  
هلاکت رسیدند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس، مدافعان انقلاب دیروز (یکشنبه)، در جبهه های اهواز و سوسنگرد با آتش توپخانه و حملات جریکی به نبرد با اشغالگران ادامه دادند. بر- پایه این گزارش شهر سوسنگرد طی ۲ روز گذشته (۱۵ و ۱۶ آذر) زیر آتش شدید دشمن قرار داشت، که متقابلاً با پاسخ مدافعان انقلاب دفع می شد.

گزارش رسیده از روابط عمومی استان خوزستان به این خبرگزاری حاکیست:

«پاسداران انقلاب اسلامی طی ۲ روز گذشته (۱۵ و ۱۶ آذر) در جبهه کرجه کوه ۱ دستگاه خودرو حامل مهمات و ۳ چادر مهمات دشمن را نابود و بیست و پنج تن از سربازان متجاوز را کشته و مجروح ساختند. براساس همین گزارشها ۵ فرزند هلی کویتر هوانیروز، مواضع دشمن را در چادگان حمید در جاده اهواز - خونین شهر درم کوبیدند و تلفات و خساراتی به دشمنان متجاوز وارد ساختند.

خبرنگار خبرگزاری پارس همچنین کسب اطلاع کرد: روستاهای رحانی و کعبی در محور دازخوین در جاده اهواز - آبادان پوسیده و رزمندگان زاندارم و پاسدار پاکسازی شده و در این پاکسازی ۲ قیسه اسلحه کالیبر ۵۰ و تعداد زیادی مواد منفجره بدست مدافعان انقلاب افتاد. به گزارش همین خبرنگاری با آتش توپخانه ما در جبهه ذوقول و شوش تلفات و خساراتی به دشمن وارد آمد. در این دو جبهه در ۲ روز گذشته (۱۵ و ۱۶ آذر) برتر آتش توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران یک تانک و یک خودروی دشمن منهدم شد.

## نامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشهد درباره حوادث اخیر در این شهر

اندازان کنترل نیکریدید، مسلماً در گریه های بسیار حادی در سطح شهر مشهد ایجاد میکردید.

۳- در محل سخنرانی تمامی ضدانقلابیون ساواکی و کودتاچی شناسائی شده و طرفداران گروه های شکست خورده منافق و چپ- فاشای امریکائی حضور داشتند و با شعارهای انحرافی و تفرقه افکنانه میکوشیدند بپن نغو ممکن، تشنج ایجاد نمایند.

آیا عملکردهایی اینچنین در شرایط خلیف فعلی کارشنکی در امور مسلمین و تقضی فرامین رهبر انقلاب نیست؟ چرا که امام فرموده اند: «آنها ای که الان در این موقعی که جنگ است در ایران، و همه نوا میسلفین در خطر است و همه حیثیت مسلمین در خطر است، امروز شلوغ کاری میکنند و اجتماع میکنند و نفاق می کنند و حرف مفت میزنند، اگر آنها «دشمنان» غلبه کنند پدر خود شما را در- می آورند».

ما در قبایل سخنان حساب شده آقای سلامتیان که بعنوان حمایت از رئیس جمهور آقای بنی صدر ایراد شد، سکوت را جایز نمی دانیم و مراتب زیر را در مورد آقای سلامتیان به مجلس محترم شورای اسلامی اعلام داشته و تقاضای رسیدگی در جلسه علنی داریم.

۱- ایجاد تفرقه در صفوف متشکل امت مسلمان ما، که در شرایط حساس فعلی عملی است ضدانقلابی و مغایر فرمان امام که: «آنی که آسیبردار نیست، آنی است که همه قرا با هم باشند. تا شما باهم مجتمع هستید، تا با هم هستید، میتواند کار بکنید...».

۲- تحریک مردم جهت برهم زدن نظم عمومی که در موفقیت جنگی اقدامی است علیه جمهوری اسلامی ایران و در جهت اهداف امپریالیزم جهانیست.

۳- توهین به دستگاه قضائی کشور، که مورد تایید امام و امت مسلمان ما بوده و حفظ حیثیت آن در حقیقت حفظ حیثیت انقلاب اسلامی است. این توهین تحت لوای دفاع از آزادی صورت پذیرفته، آنهم آزادی نوع غربی.

دلیل این سخن آنکه، پس از سخنان آقای سلامتیان در مورد دستگاه قضائی، منافقان و ضدانقلابیون حاضر در جلسه با شماره های «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، حرفهای ایشان را تایید نمودند و پرواضح است که منظور از زندانی سیاسی همه جاسوسان و توطئه- گران علیه جمهوری اسلامی است و گر نه ما زندانی سیاسی دیگری نداریم.

ضمناً حمله غیر مستقیم به روحانیت نیز از جمله مواردی است که دقیقاً در سخنان ایشان دنبال می شد.

## «انحصار طلبی» سرمایه داران؟!!

### در مطبوعات کشور

ابهام کلام سر در همین جا است که چرا از این آزادی ها سخنی در میان نیست. در بوجوه این بازی آزادی، تنها نخست وزیر را

دیدیم که لبه افتاد را متوجه این جماعت کرد و به استبداد و اختناق ناشی از احتکار و ظلم و استعمار آنان حمله برد. جز این مورد یا برخی موارد معدود در این قبیل، معلوم نیست که جوسازان چراییه سرمایه داران محترک جوسازی نمی کنند؟! چرا «جریانها» و «جریان جدید» و قدیمی را که از سوی این دلالان خون و شرف در بستر جامعه براه افتاده و می افتند، کشف کرده و برایش فریاد نمی زنند؟

راستی چه شده است ما را که مقدسین فی الارض را از میان این جماعت انتخاب نمی کنیم؟ با اینکه فقیه و حاکم شرع آگاهی همچون حجت الاسلام محمدی کیلانی باسراحت گفته بود: «برخی از این محترکین اگر اعمالشان بحدی برسد که موجب فساد گردد، مفسد فی الارض بوده و باید محاکمه و اعدام شوند». معلوم نیست که چرا از فساد ایشان و لزوم محاکمه و مجازاتشان حرفی نیست و چنان درباره مسائل دیگر جوسازی و جریان سازی کرده اند که انگار نه انگار چنین دردها و چنین جریانهای هم در پیکر انقلاب و بستر جامعه ما وجود دارد. این برد مفهومی «طرح حقیقی علیه حقیقی دیگر». البته با قبول این فرض که آنچه طرح می شود، واقعاً خود حقیقت بوده باشد.

حاکم شرع می گوید: ما اخبار موقوف داریم که بسیاری از این جماعت، هزارها متر پارچه از زاین وارد می کنند و فقط با یک تلفن به خرید و فروش آنها می پردازند و بدون آنکه اسل پارچه ها از انبار تلخان بخورد و «کار» صورت گرفته باشند، میلیونها تومان سود و نصیب تلفن کنندگان! و تجار تلفنی! می شود.

مطلبین دیگر اعلام می کنند که مغازه های بزرگ از کیه های تند و شکر سرشار بود. اما به محض اینکه برنامه توزیع دولتی و جیره بندی و «کوین» اعلام شد، تمام آن کیه ها یک شبه نابود شده و به عالم غیب پیوست! حضرات «فجار» بلافاصله کیه ها را جمع می کنند و بنیان می سازند و مثلاً یک امامزاده حقیق بجانب مظلوم بخت ویرترین می بینند که، به سراغ ما نیاید، هر چه ما داریم مشروع و مشروط و محدود است!!

از آنسوی دیگر نخست وزیر، که یک مقام رسمی است، از طرحها، برنامه ها و توطئه های این سرمایه داران محترک و دزدان قانونی و چراغ بدست سخن می گوید. از «شکنجه ای که در این زندان ظلم و چپاول» و «محرمان» و «تهدیدستان» اعمال میشود و هیچکس دم نمی زند. از «اختناق بی شاک و دمی که این مستبدین عرصه اقتصاد و غارت ایجاد کرده» و «آزادیهای» توده محروم و مستضعف را پایمال می کنند و بالاخره از «عدم امنیت غذایی» زاعغه نشینان و اقتدار تحت ستم و تنگدست. نخست وزیر از انحصار طلبانی سخن می گوید، که ما محتاج عامه مردم و ارباب عمومی و کالاها را انحصاراً در دست خود داشته به انحصار و احتکار دست می زنند و اساساً متخصصان انحصارات اقتصادی و احتکارات انباری! بوده اند و هستند. یاد می کند، بیاید بیکار هم که شده است بخاطر خدا و خلق خدا برای این نفس آزادیها، برای این انحصارطلبیها و برای این انحصار و احتکار و برای این ساز و کارهای بازاری! فریاد کنیم و تحلیل و تفسیر بنویسیم، اما چسبند که وقتی نان گرم و آب سرد در کنار من و تو می باشد ندانیم بر مغضوبین زمین چه می رود، تا قیام قیامت هم نخواهیم فهمید که آزادی مستضعفین یعنی چه و انحصارات بازاری چیست!

مطلبین دیگر اعلام می کنند که مغازه های بزرگ از کیه های تند و شکر سرشار بود. اما به محض اینکه برنامه توزیع دولتی و جیره بندی و «کوین» اعلام شد، تمام آن کیه ها یک شبه نابود شده و به عالم غیب پیوست! حضرات «فجار» بلافاصله کیه ها را جمع می کنند و بنیان می سازند و مثلاً یک امامزاده حقیق بجانب مظلوم بخت ویرترین می بینند که، به سراغ ما نیاید، هر چه ما داریم مشروع و مشروط و محدود است!!

مطلبین دیگر اعلام می کنند که مغازه های بزرگ از کیه های تند و شکر سرشار بود. اما به محض اینکه برنامه توزیع دولتی و جیره بندی و «کوین» اعلام شد، تمام آن کیه ها یک شبه نابود شده و به عالم غیب پیوست! حضرات «فجار» بلافاصله کیه ها را جمع می کنند و بنیان می سازند و مثلاً یک امامزاده حقیق بجانب مظلوم بخت ویرترین می بینند که، به سراغ ما نیاید، هر چه ما داریم مشروع و مشروط و محدود است!!

## این تدبیرا گانندی: هند از برثرف چون مومانی کند عزیز استقبال می کند

نخست وزیر هند، خانم ایندیرا گانندی، در آستانه سفر رسمی لئوئید برژنف دبیر کسلیته میگری حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در نطق خود در اجلاس کنگره سراسری شوروی «حزب کنگره هندوستان» گفت:

«هند از لئوئید برژنف، همچون مهربانی عزیز و گرمی استقبال خواهد کرد».

نخست وزیر هند تاکید کرد که دولت او همیشه از خط مشی تحکیم رسته های دوستی با تمام کشورهای جهان پیروی کرده و می کند.

(اطلاعات ۱۵ آذر ۵۹)



# کارگران ایران دست رد بر سینه ضد انقلاب می گذارند!

مرکز و واحدهای تولیدی، کارگاهها و کارخانهها، از بدو انقلاب کانون رزمنده دفاع از دستاوردهای انقلاب و مبارزه بی امان برای پیشروی و گسترش باز هم بیشتر آن بوده اند.

ضد انقلاب نیز برای بی اثر کردن انقلاب، برای نابودی پایه های محکم پشتیبانی از انقلاب، به اشکال مختلف، با بهانه های گوناگون و زیر انواع پرچم ها، کوشیده است تا به میان صفوف متحد کارگران رخنه کند و سینه های خود را به اجرا در آورد.

برای درک درست علت این انتخاب ضد انقلاب باید از جمله حقایق زیرین را در نظر داشت:

الف - طبقه کارگران ایران با پیروزی انقلاب از نو تولد یافت و ستم حکومت ناشیستی - سلطنتی وابسته به امپریالیسم را - که گلویش را می فشرد - دفع کرد. از این رو، از آغاز، در مبارزه با این اژدهای درنده، برای نابودی جنگال های شیطان بزرگ و تدارک کیک نظام مستقل و مردمی، طبقه کارگر پیشتاز بود و با تحمل انواع شداید و لطامت، با دادن قربانی های بی شمار و به بهای مبارزه های طولانی، فرساینده و دوران ساز، سرانجام نقش تعیین کننده خود را در راندن طاغوت و برپایی نظام جمهوری اسلامی ایران، که میوه انقلاب بزرگ ما به رهبری امام خمینی بود، ایفا کرد.

ب - طبقه کارگر ایران، انقلاب را به طردشاه و از آن بالاتر طرد سلطنت محدود نمی دانست. انقلاب می بایست همه نظم طاغوتی را درهم می شکست. معنی این سخن آن است که دیگر سرمایه داران بزرگ در همه شئون زندگی و کار زحمتکشان ایران یکم تا نباشند، از این پس زمین داران بزرگ توده های میلیونی روستائین و کشاورز را برده و مابملک خود ندانند و دیگر دولت و نهاد های مختلف، وزارت خانه ها و ضوابط و قوانین حاکم بر آن ها، در خدمت این زالو صفتان خون خوار نباشند.

## دشمنان طبقه کارگرند

با این حساب، و طبقه طبقه کارگر این بود که هر چه می توانست، در طرد نهاد ها و ضوابط طاغوتی گذشته و ایجاد وسایل و شیوه های رسیدن به جامعه مستقل و پیشرو آینده، انجام دهد. ج - طبقه کارگر ایران، به برکت جنبش عظیم انقلابی، به وحدت رسیده بود. رژیم خائن گذشته سندیگها و سازمان های صنفی سیاسی و از آن بالاتر هر نوع تفکر کارگری را سرکوب می کرد.

پس از انقلاب، سندیگها جان گرفتند و شوراهای کارکنان واحدهای تولیدی و ... بمنابه یک ضرورت انقلابی زاده شدند. چنین شد که قدرت کارگران واقعیت خود را در این زمینه ها داشت مگر در سر نوشت خود - البته برای دفاع از انقلاب در برابر توطئه گران ساواکی - آمریکا، نشان داد. د - طبقه کارگر ایران، که بخش تعیین کننده جبهه انقلاب را تشکیل می داد، در نبرد روزمره و دشواری خود ضرورت تولید بیشتر و بالاتر را خود مطرح کرد. انقلاب باید بر بحران های موجود غلبه می کرد. امپریالیسم جهانی و در رأس آن شیطان بزرگ - آمریکا با طرح های تجاوز کارانه خود، با حمله نظامی و انواع نقشه ها، از جمله

به وسیله محاصره اقتصادی به ما اعلان جنگ داد. باید کارخانه ها به ستاد انقلاب تبدیل می شد. دقت و مراقبت در حفظ دستگاه ها و منابع، کوشش در راه تامین وسایل نایاب مورد نیاز، نوآوری و ابتکار در ساخت ابزار آلات تولید، هشیاری در کشف شبکه های ضد انقلاب، که کار تولید را با اختلال گری های گوناگون خود، بهوقفه می کشانند، و نیز مبارزه با مدیران طاغوتی، با سرمایه داران بزرگ، که هنوز در این جا و آن جا، صاحب نفوذ و دارای اختیارات عمده بودند، همه و هم از وظایف طبقه کارگر ایران بود.

## با تقویت و تأیید سازمان های کارگری، کار تولید انقلابی و گسترش انقلاب در کارخانه ها را تسریع کنیم

ه - طبقه کارگر ایران، برای رسیدن به همه این هدف ها، ناچار از تحمل انواع دشواری ها بود. باید به لقمه نانی و اندک دستمزد ناچیزی قناعت می کرد، از حقوق حقه ای که سال های سال به غارت رفته بود، ای چه سکه ناگزیر، ذکری به میان نمی آورد، با خون دل خوردن و با چشمی نگران جواب گوی ندانم کاری ها، تنگ نظری ها، استیلاهای کوچک روری های مسئولین از یک سو و انواع کار شکنی های سرمایه داران و کارفرمایان طاغوتی و عوامل آن ها از سوی دیگر بود و با تلاشی هزار برابر، دست اندر کار بر طرف کردن آن ها عد.

و - طبقه کارگر ایران، در این ابعاد، ناگزیر شکردهای دشمنان را از یک طرف و ضعف های مسئولین را از طرف دیگر، البته در متن توطئه های دشمن اصلی، که در اشکالی شامی بر روی می کرد، شناخت، تجربه اندوخت و به نحوی مطمئن، اصولی و دلسوز با همه آن ها به مبارزه پرداخت. همین درس گیری از وقایع، این وحدت طلایی و قابلیت سازندگی و رزمندگی طبقه کارگر ایران، خشم دشمنان انقلاب را هر چه بیشتر برانگیخت.

ضد انقلاب، که هنوز در گوشه کنار، از جمله در واحدهای تولیدی نفوذ واقعی داشت، به شایعه پراکنی، ایجاد جو عدم اعتماد به انقلاب، تفرقه، فتنه انگیزی و دسیسه چینی پرداخت. یک جا به نام دفاع از کارگران خواست های به کلی ناممقول، نادرست و ذهنی را مطرح کرد، تا بدین ترتیب در مسئولین این توهم را دامن زند، که اساسا کارگران در طرح مطالبات خود از هیچ چیز پروا ندارند و هیچ حدومرزی نمی شناسند و در نتیجه حقیقتی ندارند. ضد انقلاب در عین حال با این شکرده خود این تصور را در ذهن کارگران تقویت می کرد که، شکل و مضمون عمده مبارزه

آنان، اکنون، دیگر در درو قرار گرفتن با مسئولین برای دست یافتن به خواست های صنفی - رفاهی خویش است.

دشمنان طبقه کارگر با این دام - گسترش کارگران را مقابله با مسئولین قرار دهند و ظاهرا تا توانی انقلاب از رضای خواست های آنان را به کارگران بقبولانند! نتیجه مورد نظر این بود که نیروهای انقلاب تقسیم و تضعیف شوند. ارگان های مسئول انقلاب زیر فشار از پایین قرار گیرند، که در پیوند با فشارهای دیگر و به ویژه فشار خشن امپریالیسم آمریکا، ناگزیر از تسلیم گردند و انقلاب خفه شود. ضد انقلاب برای پیشبرد این نقشه خائنه خود از چه عوامل مساعدی سود می برد؟

## ضد انقلاب درست راست می کوشد تا بقیمت خارج کردن کارگران انقلابی از مدار نظارت و تصمیم گیری و ایفای نقش فعال در امر تولید، سیاست تولیدی و اداره کارها را به مدیران و مراجع غیر انقلابی و سازشکار واگذار کند و بنای پوسیده نظام وابسته را از نو مرمت کند

از جمله وسایلی که می تواند مورد سوء استفاده ضد انقلاب قرار گیرد، مجامع صنفی - سیاسی کارگری است. جنب نمایان در این چارچوب کارنامه خائنه های دارند. آن ها که دفاع کارگران را از نظام جوان انقلابی ایران نمی پسندند، سعی می کنند، با راه انداختن شوراهای انقلابی، کنفدراسیون به اصطلاح کارگران و سندیگها ی فرمایشی، به نوعی در میان کارگران رخنه کنند، تا آنان را به تحصن و اعتراض، راه پیمایی و اعتراض بکنانند و زمینه فرود آوردن ضربه نهایی را به خیال خویش، و در آینده - فراهم آورند. گروهک مائوئیستی "رنجبران" با سرهم کردن به اصطلاح کنفدراسیون کارگران در این راستا به تشناتی متوسل شده است. این "کنفدراسیون" در همراه گذشته، طی یک رشته اعلان و آگهی در تیریز جلسه های را تدارک دید، و از سندیگها دعوت کرد تا بیرون مسائل کارگران بحث کنند. وقتی در این جلسه نمایندگان سندیگها، از جمله سندیگهای کامیون - داران تک واحدی، از انقلاب دفاع کردند و اتحاد خلق زیر پرچم امام - خمینی را خواستار شدند، جنب نمایان ضد انقلابی، که نقشه خود را شکست - خورده می دیدند، طی سخنرانی های خود، با مستمسک قرار دادن نا - رسانی های موجود، از جمله در قانون

کار، و نیز به ویژه ماده ۳۳ (جماع کارفرمایان) بنا را به حمله بر نظام جمهوری اسلامی نهادند. البته آنها با مقاومت کارگران مواجه شدند و طرد گردیدند.

ماجرای بی از این قبیل برآگاهی و هشیاری کارگران و بر دفاع آنان از انقلاب دلالت دارد. در عین حال شرایط بحرانی کنونی ایجاب می کند که به تنگناها، از سوی مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران نیز، بر خورد ناطع و انقلابی به عمل آید.

تا آن جا که به طبقه کارگر ایران مربوط می شود، خوشبختانه وزیر کار و مورا اجتماعی، صریحا بر ضرورت تدوین قانون کار با مشارکت و اظهار نظر خود کارگران تاکید کرده است. در این خصوص سخن بسیار است و در یک کلام قانون کار باید قبل از هر چیز دست ضد انقلاب را، در مستمسک قرار دادن کمبودها و ضعف های این ضوابط، کوتاه کند. چگونه؟ با تامین روست و بی ابهام حقوق اولیه و طبیعی زحمتکشان و با تأیید حق کارگران در برخورداری از مواهب زندگی شرافتمندانه و کار عادلانه

از سوی دیگر مقابله با ضد انقلاب مستلزم کمک گرفتن از نمایندگان کارگران به ویژه در سندیگها و اتحادیه ها و شوراهای است. باید به خود کارگران امکان داد - و به آنان اعتماد کرد - که با تبلیغ بیگانه دفاع از انقلاب برخیزند و با ترتیب دادن جلسه های عمومی، با سخنرانی و نمایش فیلم، با ایجاد ستاد های آموزشی به کمک مراجع مسئول، در آموزش نظامی و سیاسی کارگران بکوشند، و از طرف دیگر، با نظارت و مشارکت در اداره واحدهای تولیدی و تامین مواد اولیه و نگهداری وسایل، دستگاه ها و ابزارها و پاسداری از حقوق کارگران و منفرد کردن ضد انقلاب، زمینه گسترش انقلاب و پیاده کردن اصول مردمی آن را فراهم آورند.

انقلاب مسئله حاکمیت مستضعفین را در دستور روز قرار داده است. باید شیوه ها و وسایل این حاکمیت را تدارک دید و موانع را از سر راه برداشت. طبقه کارگر ایران، که ستون فقرات این حاکمیت انقلابی و خلقی را تشکیل می دهد، از هر جهت آماده قبول مسئولیت و تن در دادن به فداکاری و ایثار است و بدین منظور از اقدام های انقلابی وزیر کار و همه مسئولین نظام جمهوری اسلامی پشتیبانی کامل به عمل

## طبقه کارگر ایران از همه اقدامات انقلابی وزیر کار و امور اجتماعی و دیگر مسئولان جمهوری اسلامی ایران، در برقراری حاکمیت مستضعفین، قاطعانه پشتیبانی می کند

خواهد آورد. دشمنان طبقه کارگر ایران با آرزوهای شیطانی خود به گورستان سیرده خواهند شد و آینده میهن انقلابی ما نویدبخش ایرانی مستقل، آزاد و پیشرو است، جایی که از غارت بزرگ سرمایه داران، مالکین فئودال، مدیران طاغوتی و انگل های محترک و غارتگر خبری نخواهد بود.

## طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیش قدم است!

قالی بافان مورد استعمار سوداگران قرار نگرفت. همچنین دولت باید از کار کودکان خردسال جلوگیری و زمینه تحصیل رایگان را برای این کودکان فراهم سازد. تنها با اتخاذ چنین تصمیماتی، می توان هم به کار قالی بافی توسعه داد و هم کارگران قالی - باف را از مواهب انقلاب برخوردار ساخت.

نوجوانانی که گل وجود آنها در پای دارهای قالی پرپر شد. با توجه به شرایط طاقت فرسای که درون کارگاه های قالی بافی حکم فرما است، مسئولین امر باید به منظور کمک به خانواده های قالی باف اقدامات لازم را معمول دارند. قالی بافان از دولت انقلاب می خواهند که قوانین کار در تمام کارگاه ها به مورد اجرا در آید، تا در آینده،

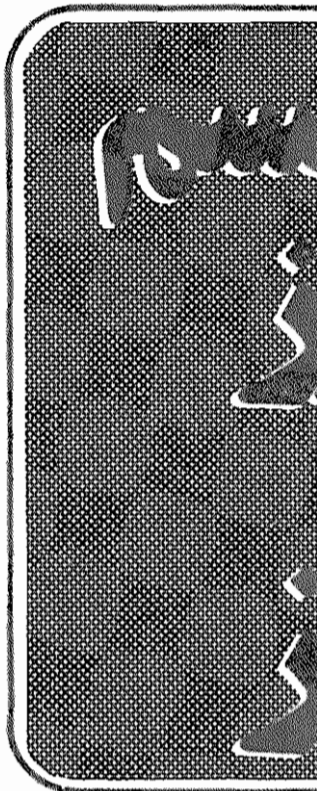
کارگاه های قالی بافی، که تحت حمایت حکومت های ضد ملی قرار داشتند، با استثمار کارگران قالی باف، همواره سود هنگفتی نصیب شان میشد. آنها حتی به کودکان خردسال هم رحم نمی کردند. چه بسا نوجوانانی که در نتیجه کار طاقت فرسا درون دخمه های قالی - بافی به امراض گوناگون چون سل و کوری جسم دچار شده اند، چه بسیارند کودکان و

در روستای صلوات آباد سنج، حدود دویست خانواده قالی باف سرگرم قالی بافی هستند. حدود یکصد خانواده روستایی می توانند با سرمایه شخصی مواد اولیه خود را تامین کنند. ولی نمی دگر به علت فقر، فاقد سرمایه اولیه - حدود چهار هزار تومان - برای تهیه مواد اولیه قالی هستند. این خانواده ها برای گذران زندگی خود مجبورند به خدمت سوداگران قالی در آیند.

## قالی بافان، در انتظار بر خورداری از مواهب انقلاب هستند







داشت و تناقض میان گفتار و کردار همواره از خصوصیات لبرالیسم بود. ولی در قیاس با اندیشه‌های فئودالی و استبداد سلطنتی فئودالی، اندیشه‌های لبرالی عنصری از تکامل با خود می‌آورد.

اما امروز، سرمایه‌داری روبه افول است. دوران، دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است. در کشورهای توسعه یافته، استقلال، گزینش راهبردی برای توده مردم مطرح شده و سرمایه‌داری آبرویافته قادر نیست این توده را با شیرین زبانی لبرالی بفریبد. تناقض میان گفتار و کردار لبرالیسم نو، به تقابل می‌رسد. لبرالیسم های نو، برای این که زمینه را برای رشد سرمایه‌داری فراهم کنند و آزادی فعالیت سرمایه را - که هدف اصلی آنهاست - تامین نمایند، در حربه آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و امثال اینها دم می‌زنند، ولی در عمل قادر به اجرای گفته‌های خود نیستند و در کشورهای وابسته جاده‌ها فاسد می‌نمایند.

برای درک این واقعیت فقط کافی است نگاهی به کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکا - لاتین بدانیم. در همه این کشورها لبرالیسم برای آزادی سینه چاک می‌کند. شب تا سحر ورد می‌گیرند که "این همه فشار و این روش‌های دیکتاتوری عاقبتی ندارد." برای خود آمریکا هم خوب نیست که با امثال بینهوشه و محمد رضا کار کند، "باید به آمریکایی‌ها تفهیم کرد که نفع خود آنها هم در این نیست." ولی همین حضرات لبرالی، وقتی رسد سرمایه‌داری را در خطر می‌بینند، راه را برای سینه‌ها باز می‌کنند و چگونه زباله‌ها و اوراق حقیقیان هروئین را می‌فروشند.

چون کسی رژیم خلقی آلینده را، به بهانه این که "قانون را مراعات نمی‌کند"، "قانون اساسی را محترم نمی‌شمارد"، "آزادی‌ها را محدود کرده"، "ریز آتش گرفت؟" خواهی گفت "سیا"! پس لبرالیسم سلیبی کجا بود؟ در کار "سیا"! در واقع "سیا" در زیر پوشش لبرالیسم شیخی، که برای قانون اساسی جگر کباب می‌کردند آلینده را کوبید. با کمک لبرالیسم بود که "سیا" قسرها متوقف، کارمندان مرفه، ساوان مکن مرگ‌های شمال شهری را کاپیتان در صف و مبارزه با محاصره اقتصادی آمریکا را در سان خود می‌دانستند، از رژیم خلقی جدا کرد. با کمک گروه‌های مائوئیست متحد لبرالیسم بود که "سیا" صف متحد کارگران را شکست، تا یواست بینهوشه "مخمس"، "تحلیل‌کرده" و "مبادی آداب" را به حکومت رساند.

به آمریکای لاتین، کره جنوبی، ترکیه و... سگرید. نو استعمار همه جا با فاشیسم نو به هم بسته است، و هر جا که کار با سیم به نیست می‌رسد، لبرالیسم یو به کمک می‌آید، تا چند روزی دم از آزادی و دموکراسی بزند، فشار توده‌ها را کم کند و دوباره راه را برای یک رژیم فاشیستی جدید هموار سازد.

### لیبرالیسم در ایران

ایران کشوری است که هرگز به‌طور رسمی مسعمره نبوده، حکومت ایرانی داشته، ولی در سرتاسر قرن بیستم، تا انقلاب بیروزمند کوشی، با تنفس‌های کوتاه مدت، اسیر در جنگ استعمار بوده است. این ویژگی سبب شده است که حضرات لبرالی در لحظات حساس نقش موری ایفا کنند و در اتحاد با سرمایه بین‌المللی، سرمایه‌داری ایران و ملاکین بورژوا را از خطر نجات بخشد.

نخستین بار در انقلاب مشروطه ایران شخصیت لبرالیسم‌های وطنی تمام قد نمایان شد، و این وقتی بود که جنبش مشروطه از جارجویی که حضرات در نظر داشتند، فراتر رفت و توده مردم - به‌ویژه در آذربایجان - وارد عرصه شدند. لبرالیسم همان مشروطه، از یکسواها مستبد قاجار فراسا درباری را، که کار را به اینجا رسانیده بودند، به‌یاد انتقاد می‌رفتند، و از سوی دیگر راه‌حلی‌هایی ارائه می‌دادند که چگونه باید جلو تندروی‌های توده مردم را گرفت. با کوشش حضرات لبرالی، جنبش‌های وسیع توده‌های جای خود را به تحسین در سرات انگلیس داد. صفحات روزنامه‌ها و کتاب‌ها و خطابه‌ها از مناقب دولت فحیمه انگلیس، که "آزادیخواه" - لبرالی - و "ضد نظام استبدادی" است، پر شد، تا جایی که شاید هنوز هم عده‌ای از مردم ایران بر این گمان باشند که دولت انگلیس هوادار جنبش مشروطه ایران و روسیه تزاری تنها دشمن آن بود. در حالی که این دو درنده، در کرم‌ماز انقلاب مشروطه، ایران را میان خود تقسیم کرده بودند.

با کمک لبرالیسم، جنبش مشروطه راه کج کرد. لبرالیسم برای ستارخان و باقر

خان سخرانی تجلیل‌آمیز کردند و این مردان "عامی" و "غیرمختصص" و "بی‌سواد" را در حرف ستودند، ولی در عمل کوبیدند و از میان بردند و سردار اسعد بختیاری و سران قزاق را در رأس ارتش گذاشتند و داد سخن دادند که ممکن نیست در یک کشور "تعدد مراکز قدرت" باشد! مجاهدین ستارخانی، که تخصصی‌ندارند، باید بروند و امیرتومان - های قزاق، که زیر دست شایسالاها و لیاخوف‌ها تخصصی دیده‌اند، بر سر کار بیایند. با کمک لبرالیسم و به دلالتی آنها - که واسطه میان استبداد دربار قاجار و بورژوازی تجاری بودند - قانون اساسی نوشته شد و قوانین دیگری به‌زیان مردم و در قالب سازش بورژوازی بزرگ و ملاکین "روشنفکر" تدوین گشت.

پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر، خصلت سازشکار لبرالیسم ایرانی - صدچندان شد. انقلاب اکتبر، در یک کشور بزرگ همسایه ایران، حکومت ملاکین و سرمایه‌داران را برانداخت و زحمتکشان را به حکومت رسانید و دوران نوینی در تاریخ بشری گشود. لبرالیسم ایران که در حدود دفاع از گسترش سرمایه‌داری در ایران، با استبداد فئودال - ها و نفوذ روسیه تزاری مخالف بودند و خاضعانه آزادی فعالیت سرمایه را طلب می‌کردند، وقتی اصل نظام سرمایه‌داری را در خطر دیدند، به جای این که از سقوط تزارهای روسی خرسند شوند، از وحشت دچار تب و لرزه شدند، قیافه واقعی خود را نشان دادند و برای نجات سرمایه و آزادی سرمایه بیس از پیش به‌دور سفارت فحیمه انگلیس و عامل آن رضاخان میرنچ حلقه زدند. رضاخان در واقع در آغوش روشنفکران لبرالی، که در این لحظات حساس برای سرمایه نیاز به دست قوی را احساس می‌کردند، بر سر کار آمد و استوار شد. در سرتاسر دوران اختناق رضاخانی، حتی یک روشنفکر لبرالی در برابر اختناق مقاومت نکرد و از طرف پلیس رضاخانی تهدید نشد. پس از رضاخان، در سرتاسر دوره سلطنت محمد رضا شاهی، محافل لبرالی در عرصه سیاست ایران سیار فعال بوده‌اند. آنها همواره در مجالس خونت‌های دربار پهلوی رو ترش کرده و "دانشمنده" موعظه کرده‌اند که این خونت‌ها خطرناک است! باید روشی پیش گرفت که سرمایه تامین بیشتری داشته باشد.

اما خطر حرکت از پائین ایجاد شود. مردم به‌خطر افتاده. آقایان لبرالی‌ها سه‌بار به نهار غلط کرده، از کرده پیمان سده و خود را در اختیار دیکتاتوری گذاشتند. در سال ۱۳۲۵، همه حضرات لبرالی، از ترس جنبش مردم، زیر علم قوام السلطنه خائن دستبند رفتند. در زمان دکتر مصدق و جنس جلی شدن نفت، حضرات لبرالی مدافع جدی سلطنت مشروطه و بزرگ‌ترین ملغین امپریالیسم آمریکا در ایران بودند، آنگار و بدون کمترین خجالتی گسترش نفوذ آمریکا را در ایران طلب می‌کردند و سایه اصل حبار ترومن را "سایه طوسی" می‌نامیدند. تا وقتی دکتر مصدق در سایه این درخت می‌نست، لبرالی‌ها با او بودند، و زمانی که نهضت عمیق شد، دکتر مصدق را رها کرده، کوجه پیش‌بای زاهدی را آب و جارو کردند. مدتی پس از سرکوب نهضت به‌دست زاهدی، لبرالی‌ها باز هم از ترس حرکت توده‌های مردم به زبان آمدند، به موعظه نشستند که: "اینطور نمی‌شود! خطرناک است! باید سوپاپ اطمینان داشته باشیم!" سوپاپشان علی‌امینی بود و توصیه‌های گندی.

در آغاز جنبش انقلابی کنونی به‌ربری امام خمینی، لبرالی‌ها، که مصونیت بیشتری داشتند، آسان تر به‌میدان آمدند و با زهم موعظه‌های خود را شروع کردند: به "تاهنشاء" سرکوت می‌زدند که چرا توصیه‌های آنها را به‌موقع تنسید و درس می‌دادند که چگونه باید عمل کند، تا جلو رشد نهضت مردمی را بگیرد. لبرالی‌ها سران قاطع و انقلابی نهضت و حتی به امام خمینی هم درس می‌دادند که مواظب باشند مبادا مردم چیزی بیشتر از آزادی سرمایه طلب کنند و بگیرند. تصادمی نیست که درست در آغاز پاییز ۱۳۵۷، محافل لبرالی به‌شاه توصیه کردند که برود، تا شاید با جانشینش بتوان راه‌حلی پیدا کرد و کنار آمد. تصادمی نیست که حضرات لبرالی در آن زمان هم هوادار سیه "گام به گام" بودند. آنها گاه چنین وانمود می‌سازند که گویا هدف یکی است: هم هدف توده مردم به رهبری امام خمینی و هم هدف سرمایه‌داران بزرگ به‌دلالی لبرالی‌ها. منتها شیوه‌ها تفاوت دارد. ولی واقعیت این است که مایه اصلی، اختلاف هدف‌هاست و نه شیوه‌ها. سیاست "گام به گام" نمی‌تواند به هدف توده‌ها خدمت کند. این سیاست در خدمت هدف سرمایه‌داران است: تامین آزادی سرمایه از طریق سازش با درباریان خادم امپریالیسم!

برای رسیدن به این هدف، لبرالی‌ها در قفا با زلال‌ها و فرستادگان ویره‌کارتر - سیا ملاقات و مذاکره کردند. تا راهی پیدا شود که سی از پیروزی انقلاب، ساواک و ارتش شاهنشاهی و تمام ماسین دولتی ضد مردمی ساه به‌جای خود بماند، جنبش مردم منحرف شود و در شوره‌زار سارس مرو رود، هیچ‌گونه آزادی جز آزادی سرمایه بدید نباید و مناسبات سرمایه‌داری ایران با سرمایه بین‌المللی محکم تر شود.

لیبرالیسم ایرانی، که ساس "گام به گام" شان افزا شده، از مدتی پیش خود را زیر ماسک هواداری از "قانون" و "آزادی" پنهان کرده‌اند. هر بار که به آقای لبرالی دست زنی، فریادش به آسمان می‌رود که: "من چیزی جز قانون و آزادی نمی‌خواهم!" در تمام دوره، دولت موقت، سرمداران لبرالیسم، کبیر مرکب حکومت سوار بودند، همواره از "قانون" دم می‌زدند و از این که در کشور "تعدد مراکز قدرت" وجود دارد و مانع پیشرفت است، "کله" می‌کردند. اما در زیر این "کله" تهاهدفی که دنبال می‌شد، حفظ تمام قدرت حاکمه در دست سرمایه بود و پس. آقایان از تعدد مراکز قدرت - اگر همه مراکز در حساب آخر وابسته به سرمایه باشند - کمتر نگرانی ندارند. فلان خان گردن کن، با کمک آنان، از دست قانون گریخته و در بخشی از کشور بساط حکومت مستقل گسترده. ولی کسی از حضرات لبرالی از این که ایشان تعدد مراکز قدرت ایجاد کرده‌اند، غلغای ندارد. تعدد مراکز قدرت زمانی در نظر حضرات مردم است که بخشی از این مراکز در کنترل کامل سرمایه نباشند.

محافل لبرالی ایرانی خود را تنها هوادار آزادی و دموکراسی می‌نامند و متاسفانه برخی از محافل مخالف لیبرالیسم نیز این ادعا را به‌سکه نقد گرفته، می‌گویند لیبرالیسم مدافع "آزادی مطلق" است. باید گفت که اس تصور شدت اشتباه است. لیبرالیسم در ایران امروز به هیچ‌روی هوادار آزادی و دموکراسی و حتی هوادار آزادی‌های بورژوازی و دموکراسی بورژوازی هم نیست. زیرا انقلاب ایران اصل نظام سرمایه‌داری را به‌خطر انداخته است. آزادی غالب سرمایه‌داری را در شرایط امروز نمی‌توان با آزادی‌های بورژوازی و دموکراسی بورژوازی تامین کرد. اگر در ایران امروز مردم به اندازه فرانسه آزاد باشند، امید بسیار کمی وجود دارد که نظام سرمایه - داری استوار بماند و دوک‌ها و زسیکار دست‌ها، یکی پس از دیگری، انتخاب شوند. در ایران امروز به‌صورت عظیم توده‌ای ضد سرمایه‌داری بدید آمده و گسترش می‌یابد.

دفاع از استقلال و آزادی ما نرد ضد امپریالیسم و ضد سرمایه‌داری با هم یکی شده، و تا این نهضت سرکوب نشود، سرمایه‌داری در کورما به امنیت و آزادی نخواهد رسید. این که لبرالی‌ها برای ایران فریاد می‌زنند که: "سه‌بار به نه بار غلط کردیم"، ظاهر و غلو نمیکند. ازته دل می‌گویند. همه لبرالی‌های ایرانی به همان نتایجی می‌رسند که لبرالی‌های نیلی، کره جنوبی، ترکیه و غیره رسیدند: تامین آزادی سرمایه در کشوری مثل ایران، مصر و هر جایی که نهضت سرگرم ضد امپریالیسم و ضد سرمایه‌داری وجود دارد، خواه ناخواه ضرورت استقرار فاشیسم را مطرح می‌کند. روس است که لبرالی‌ها دلشان می‌خواست این طور نشود. دلشان می‌خواست لااقل مل اسانیا عمل شود، یعنی با رتن دیکتاتوری فاشیستی، جای سرمایه محکم تر شود و سرمایه‌داری باسوه مطمئن تر "دموکراسی" حکومت کند. ولی چه می‌شود کرد. ایران و کشورهای نظیرش اسانیا نیستند. در اسانیا جنبش ضد فرانکو جنبش بورژوازی بود. رژیم فرانکو در برابر پیوستن و به هم آمیختن سرمایه اسانیا با سرمایه سایر کشورهای اروپای غربی و آمریکا سدی تشکیل می‌داد. برداشتن این سد، خواست همه سرمایه‌داران بود. پس از فرانکو، راه اسانیا به بازار مشترک اروپا و همکاری‌های وسیع‌تر با سرمایه انحصاری اروپایی و آمریکایی بازتر شد. بخش غالب نهضت ضد فرانکو چیزی بیشتری نمی‌خواست. این بخش غالب خصلت ضد امپریالیسم و ضد سرمایه‌داری نداشت. سرمایه‌داران اروپایی و آمریکایی به این جنبش خوشامد گفتند.

ولی در ایران و کشورهای نظیرش، خصلت اصلی جنبش، ضد امپریالیسم بود آن است، که در شرایط امروز جهان و ایران، گرایش ضد سرمایه‌داری پیدا می‌کند. این جنبش نمی‌تواند جای سرمایه را محکم کند. پس خواستاران تحکیم مواضع سرمایه، خواه ناخواه، علیه جنبش برمی‌خیزند، و وقت زفته، برای سرکوب جنبش، به‌سوی ضدانقلاب کشیده می‌سوند. امروز لبرالی‌های ایرانی در این مرحله‌اند. آنها می‌روند تا جاده را برای فاشیسم صاف کنند. آنها، برخلاف ادعای ریاکارانه‌ای که دارند، امروز دیگر مدافع آزادی و دموکراسی - حتی آزادی‌های بورژوازی و دموکراسی بورژوازی هم نیستند.

برای درک این حتم می‌توان به نوشته‌ها و گفته‌ها و کرده‌های لبرالی‌ها توجه کرد. حضرات لبرالی می‌گویند که مدافع آزادی‌اند و دسم دیکتاتوری. ما می‌توسم همدان دور است گرس بردک. نشان می‌دهند آنجا که دست لبرالی‌ها کاملاً باز بوده و باز است و کم‌ترین سانسوری برایشان نبوده و نیست، چه کرده‌اند و چه می‌کنند؟ در صحصات روزنامه‌هایی که منحصر در احصار لبرالی‌ها است، چه می‌نویسند و از برهوس مجلس و سارس مساحدی که لبرالی‌ها در احصار دارند، چه می‌نویسند؟ آیا مقاله‌هایی که امالار کسه و عرب سبب به همت اختلاس بوده‌ها است، از طرف دیگران به‌رونامه‌های لبرالی حمیل می‌شود؟ آیا احصار گران گداخته‌اند که لبرالی‌ها نوظه‌های امپریالیسم آمریکا و بوکراس را در ایران و محسور می‌کنند که از کودتاگران، ساواکها، خواستس، فئودال‌ها و بزرگ‌برس سرمایه‌داران درد واسه خطاب کند و در عوص برای سرهای مریی پرونده بسازند؟ این همه اصرار لبرالی‌ها که رادیو و تلویزیون را در دست خود نگاه دارند، برای چیست؟ برای حفظ "آزادی" و "حب آزاد"؟! در تمام مدتی که در دست آنها بود، کدام آزادی را نامس کردند؟ کدام برامه‌ها سا به سسپاد آنها تدوین شده است؟ آیا "حب آزاد" آنها همان ماطره تلویزیونی معروف سسب که محافل لبرالی با حسان حراب براس کف زدند؟ آیا آقایان لبرالی‌ها هوادار آزادی‌های بورژوازی و دموکراسی بورژوازی هم هستند. ترس از سسول نظام سرمایه - داری برس از اسفلال واقعی ایران و گسختن از سرمایه بین‌المللی، آنان را بین از سس به‌سوی ضد انقلاب وناسیسم می‌رانند. هم‌اکنون حصبه لبرالی‌ها وسد انقلاب در داخل و خارج کشور در حال تشکیل است! اگر هنوز شکل سده‌سند، بسیاری از سونه‌ها و گفته‌های لبرالی‌ها آحسان برار کسه، ضد مردمی و حان خمامس است که، اگر حای قلم، مسلسل به‌دسسان بدهد، مردم را به‌مسلسل خواهد بس. صادمی سب که امپریالیسم و سروه‌های ضد انقلابی داخل و خارج ایران، همه امید خود را در لحظ حاضر به لبرالی‌ها سسده‌اند و برای آن‌ها هورا می‌کشد.

در پایان باید به‌دو سکه هم اشاره کنیم: یکی این که، در طول زمان، کلامه لبرالیسم یک معنای ثانوی و محازی هم پیدا کرده، که در کار معنای اصلی آن، در فرهنگ‌ها می‌آورد. لبرالیسم در عین حال که یک جریان ساسی است - که ما به‌صصل دکر کردیم - به‌سارس کاری، ریاکاری و رفتار عر اصولی هم کسه می‌شود. این معنای ثانوی، از عملکرد خود لبرالی‌ها سس گرفته است.

دوم این که، لبرالی‌ها معمولاً به مردم ساده سرکوب می‌رسد که آنها اصول معنای لبرالیسم را نمی‌دانند. این گفته ما را به‌یاد یک واقعه از تاریخ گدسه نزدیک کورمان می‌اندازد:

درال‌های جنگ دوم جهانی، امپریالیسم انگلیس، سوسر خود سید صیاء‌الدین طباطبایی را به ایران آورد، تا شاید با کمک او مواضع خود را محکم کند. سید صیاء برای ساس نظر ارباب می‌خواست حاصه ایران را به عف برگرداند و سلفه فئودال‌ها را بسز کند. حزب توده ایران ساس سید صیاء را ارتجاعی و خود او را مرتجع می‌نامد. توده مردم هم در خیابان‌ها فریاد می‌زدند: "مرگ بر ارتجاع، مرگ بر سید صیاء". مجله تهران مصور، که یکی از کشف‌ترین مطبوعات کشور ما بود، برای دفاع از سید صیاء و مسخره کردن مردم، لطیفه‌های ساخته و جاب رده بود که، گلگه ارتجاع را حزب توده ایران ساخته و در دهان مردم انداخته است و مردم می‌دانند معنای آن چیست! تهران مصور نوشته بود: از یک کارگر ساده آذربایحالی، که فریاد می‌زد: "مرگ بر ارتجاع، مرگ بر سید صیاء". سرسبدم: ارتجاع کیست؟ گف: برادر سید صیاء! در آن روزها حصرا مرتجع این لطیفه را نقل مجالس خود کرده بودند و به‌خیال خود عریش مردم ساده، که نه سواد و علمی داشتند و نه تحصصی، می‌خندیدند.

زندی با روستا

# روستاهای بخش «افشار» زنجان

در فاصله نزدیک به ۳۵ کیلومتری زنجان، از جاده اصلی تهران به زنجان، جاده اسفالت شکسته‌ای زلج جنوبی، جاده اصلی منشعب می‌شود و پس از ۴۸ کیلومتر در یک منطقه کوهستانی به شهرستان خدا بنده که در میان اهالی به شهر "قیدار" معروف است، می‌رسد. جاده خاکی پر از دست‌انداز و پرداخت نشده‌ای از جنوب شهرستان قیدار ما را به سمت بخش افشار راهنمایی می‌کند. در بهار و تابستان و اواخر پاییز به برکت خشکی هوا، جاده خشک است و زحمت چندانی ندارد، جز آنکه سرویس مرتب حمل و نقل و مسافربری ندارد که خود ناشی از سطح پایین تولید در این منطقه است و به نوبه خود مانعی است در راه اعتلای آن. در فصل زمستان جاده از یخ و یخچوشیده است و مسافرت، امر بسیار خطرناکی می‌شود. تنها وسیله نقلیه قابل اطمینان و معمول در زمستان تراکتور است که آنهم گاهی اوقات راه بجای نمی‌تواند ببرد. این جاده پس از ۴۵ کیلومتر به "زرین آباد"، بزرگترین روستای این بخش، متصل می‌شود و پس از ۷۵ کیلومتر دیگر به "کبودآهنگ"، در جاده اصلی تهران به همدان می‌رسد. به دلیل کوهستانی بودن منطقه و کمی رودخانه‌ها و میزان خیلی کم ریزش باران در بهار و تابستان، محصولات این منطقه عمدتاً گندم و جو، به صورت دیمی است. محصولات دیگری مثل انگور و میوه‌های درختی، سیب زمینی و پیاز بسیار جزئی و در درجه دوم اهمیت قرار دارند.

به علت دیمی بودن کشت گندم و جو، میزان برداشت محصول بسیار کم و در نتیجه میزان فروش و عرضه آن به بازار شهر بسیار اندک است که آنهم تا حدود زیادی در دست واسطه‌ها است. در این بخش دهقانان کم زمین یا بی‌زمین به صورت روزمزد یا

سها مکاری و نصفه کاری، کار می‌کنند. زمین داران بزرگ، دهقانان را به صورت کارگرفصلی اجیر می‌کنند. در سال‌های اخیر عده زیادی از دهقانان به دلیل فقر شدید و کسادی کار و زندگی روستایی به شهرها مهاجرت کرده‌اند. دهقانان برای جبران درآمد کم خود در کشت و کار اصلی، کارهای فرعی دیگری نیز دارند. مثلاً هر نفر چند راس گوسفند و یک راس گاو نگاه‌داری می‌کند و شیرو ماست ناچیز خود را تا مین می‌کند. زنان در خانه‌ها با کمک بچه‌هایشان قالی و قالیچه می‌بافند و از شیوه‌های ابتدایی کار استفاده می‌کنند. دهقانان امیدوارند دولت انقلاب با به اجرا درآوردن قانون اصلاحات ارضی که در شورای انقلاب تصویب شده است جنگال زمین داران و مالکین بزرگ را از حقوق دهقانان زحمتکش و فقیر کوتاه کند و با سپردن زمین به دهقانانی که بر روی زمین‌ها کار می‌کنند و با کمک‌های مالی و فنی از قبیل وام‌های درازمدت و تأمین وسایل کشت و کار و همراه با آن تشویق دهقانان برای تشکیل شرکت‌های تعاونی تولید و تعاونی‌های مصرف و فروش، گام‌های مثبتی به سود دهقانان بردارد. ناگفته نماند که به علت فرار بعضی از زمین‌داران بزرگ و مبارزه دهقانان، در بعضی نقاط زمینها تقسیم شده است. ولی باید عدالت به دقت اجرا شود و از ریشه بساط بزرگ مالکی برچیده شده و طوری نشود که دهقانان کم‌زمین و خوش‌نشین به همان وضع سابق باقی بمانند. به عنوان نمونه در روستای "زرین آباد" که حدود ۷۰۰ خانوار جمعیت دارد، ۱۵۰ دهقان بی‌زمین‌ساز می‌برند. یکی از اهالی این روستا می‌گوید: "در قم کار می‌کنم و اینجا می‌خورم، ما منتظریم تا امام خمینی

برای ما فکری بکند." دهقانان فقیر، بعضی از ماه‌های سال را در تهران، قم، ساوه و شادشت سابق به کارهایی از قبیل باغبانی، کارگری در ساختمان‌ها و غیره می‌پردازند و سعی می‌کنند با حداقل هزینه بسازند تا با پول پس‌انداز آن به روستا برگردند و چند ماهی با خانواده خود خرج کنند. یکی از اهالی کم‌زمین "قوطی‌آباد" می‌گوید: "سال گذشته همراه چند نفر دیگر به تهران رفته بودم. چهار-پنج نفری یک اتاق در مسافرخانه اجاره کرده بودیم. روزها در میادین منتظر می‌ماندیم تا معماری، برای کارهای ساختمانی ما را به مزدوری ببرد. روزانه ۷۰-۸۰ تومان مزد می‌گرفتیم. با هزینه کمی می‌ساختیم و روزانه تقریباً ۵۰ تومان پس‌انداز می‌کردیم تا در مدت چند ماه زمستان، نان بخور و نمیر خانواده خود را تأمین کنیم." در روستاهای این منطقه به جز عده معدودی از قشر مرفه بقیه اهالی در فقر و محرومیت شدید زندگی می‌کنند. تازه معنای آن فقر مرفه هم به کلی نسبی است. آنها هم امکانات زندگی معمولی را ندارند و در تحمل محرومیت‌های عمومی شریک ساین هستند. اهالی این روستا تقریباً همه بی‌سوادند. در بعضی از روستاهای این منطقه مدرسه ابتدایی وجود دارد. مثلاً "زرین آباد" با ۴۴ هزار نفر جمعیت تنها یک مدرسه ابتدایی آنهم فقط با ۴۰ نفر محصل دارد. بعضی از روستاها هم مدرسه دارند ولی معلم ندارند. و بعضی از روستاها مثل "عمو کندی" که چهل خانوار دارد، نه مدرسه دارد و معلم هم ندارند. حمام‌های این منطقه عمدتاً خزینه‌ای هستند. در "زرین آباد" که روستای بزرگ این منطقه است، راه ورود به خزینه حمام را بستند و بوسیله چند عدد شیر آب

از آن استفاده می‌کنند. از لوله‌کشی آب آشامیدنی در این منطقه خبری نیست. در روستای "زرین آباد" فعالیت‌هایی در این زمینه انجام گرفته بود که راکد مانده است. با توجه به قایل آشامیدن نبودن آب چاه‌های خانگی، مردم مجبورند از چشمه‌های روستا آب آشامیدنی بیاورند و از این نظر بویژه در فصل زمستان دچار مضیقه جدی هستند. در تمام منطقه تنها یک درمانگاه روستایی وجود دارد که فاقد امکانات لازم و کافی درمانی است. فعالیت‌های بهداشتی مانند واکسیناسیون در حدود صفر است. چندین خانه بهداشت در روستاهای منطقه ساخته شده که اکثر آنها پرسنل و هیچ‌گونه کارآیی ندارند. امید است که دولت انقلاب با اتخاذ تصمیمات جدی، فوری و به سود دهقانان زحمتکش، از قبیل اجرای قانون اصلاحات ارضی و واگذاری وسایل لازم کار کشاورزی و تأمین حداقل شرایط زندگی، از مهاجرت روستائیان به شهرها جلوگیری به عمل آورد و زمینه را برای رونق کار کشاورزی فراهم آورد تا محاصره اقتصادی آمریکا از طریق تولید بیشتر محصول در هم شکسته شود. دهقانان برای رساندن حق به حق دار و نوسازی دهات و سازمان دادن جهاد کشاورزی، برای دستیابی به حقوق حقه خود کمک به مسئولان امور باید از طریق تشکیل در اتحادیه‌ها و تنظیم خواست‌های خود و بسیج نیروی خویش به پیش روند و با تکیه به نهادهای انقلابی، با تشکل و هشیاری، برای تقویت جبهه و پشت جبهه، برای تحکیم انقلاب و دفاع از جمهوری اسلامی ایران مبارزه کنند تا بتوانند آثار پلید رژیم شاه خائن را در دهات از بین ببرند.

## در انتظار عمل قاطع هیئت واگذاری زمین

روستای سترد، در فاصله ۷ کیلومتری جنوب شرقی شهر گرمسار و در حاشیه کویبر واقع شده است. این روستا حدود ۶۰۰ هکتار اراضی قابل کشت و ۲۸۸ ساعت آب دارد. حدود ۲۰۰ هکتار زمین با ۹۰ ساعت آب زراعی، در دست ۴ نفر از مالکین مانده بود. از سال‌های که "شکت" سهامی زراعی، کوشک و سترد و چند روستای دیگر دایر بود، اراضی این ده کلاً در تصرف این شرکت بود که پس از انحلال شرکت در سال ۵۷ (پس از انقلاب) یکسال این اراضی بصورت گروهی با عده‌ای از کشاورزان صاحب نسق کشت شد. در سال جاری پس از تصویب قانون اصلاحات ارضی و بنا به ابتکار و حمایت جهاد سازندگی قرار بر این شد که آن قسمت از اراضی با حدود ۹۰ ساعت آب به اهالی بی‌زمین واگذار شود. دهقانان با هشیاری مانع از ایجاد اختلاف بین صاحبان نسق و بی‌زمین‌ها شدند و بدین ترتیب درک کردند که منافع آنها مشترک است و کوتاه شدن دست بزرگ مالکان بسود همه آنهاست.

البته بهترین شکل همکاری آن است که بصورت تعاونی کار و تولید کنند و همه برادروار دست بدست هم دهند و از امکانات دولتی و کمک‌های نهادهای انقلابی بهره‌مند شوند. ولی متأسفانه از زمان شاه معدوم، شرکت سهامی زراعی علی‌رغم کوششهایی که عده‌ای از متخصصین و مهندسان دلسوز می‌کردند خرابه خوبی بجای نگذاشته بود. در روستای سترد، قبل از تأسیس این شرکت، تقریباً بیش از ۵۰ خانوار کشاورز زمین‌دار روی زمین و دامدار زندگی می‌کردند که پس از ایجاد شرکت سهامی زراعی، در فاصله ۲/۵ سال، حدود ۱۰ اهالی بعلت سیاست کلی رژیم شاه معدوم و هدف آن از اینگونه اقدامات و بعلت عدم امکانات زندگی و محدودیت دامداری بجای دیگر (روستاها مجاور - گرمسار - ورامین - تهران) کوچ کردند. در حال حاضر فقط در حدود ۱۲-۱۰ خانوار در این روستا ساکن هستند. اما

و همکاری را عملاً سازمان می‌دادند. در سال ۵۸ بمنظور احیای روستا با کمک جهاد سازندگی کار لوله‌کشی ده انجام شد و کشیدن برق نیز در روستاهای "ساختمان" کوشک و سترد و کوهک در دست اقدام است. با انجام این کارها بسیاری از روستائیان که به سایر نقاط کوچ کرده بودند برای بازگشت به ده اظهار تمایل کرده‌اند. چاه عمیق این روستا به همت و بایول خود اهالی حفر

البته اشکال و عیب اصلی در حکومت ضد مردمی شاه و فساد و زورگویی بود. در اصل همکاری و تشریک سماعی، همانطور که دهقانان در سال اول بعد از انقلاب عمل کردند چه بهتر بود که دهقانان در شرایط جدیدی که حکومت مردمی جمهوری اسلامی ایران میتواند بوجود آورد، از امکانات فنی و سازمانی موجود و از شکل تعاونی با محتوی کاملاً نواستفاده میکردند و تولید را بالا می‌بردند و برادری



اینجا همگی از زحمتکشان روستای قزل‌قایه مشهد هستند. همه کار می‌کنند، از کودک ۹ ساله تا پیرمرد ۷۰ ساله. اینها سرایان اصلی پشت جبهه‌اند. کودکانشان باید بیاموزند، مدرسه می‌خوانند. مردانشان باید بیشتر بکارند، امکانات کشاورزی و تولیدی می‌خواهند. آنها باید سالم و باسواد باشند و حداقل شرایط یک زندگی انسانی را داشته باشند. امکانات جمهوری اسلامی ایران تماماً از آن این کوخ‌نشینان است.

شده است. این خودپند بسیار بزرگی است که در صورت داشتن زمین و آب و وسایل کار و حداقل شرایط زندگی دهقانان دیگر مهاجرت نخواهند کرد. در حال حاضر شورای ده با کمکهای جهاد سازندگی، از اهالی ساکن در محل تشکیل شده است. بطور کلی در شهرستان گرمسار همچون دیگر نقاط کشور، مانده‌های انقلابی جهاد سازندگی و سپاه پاسداران، در تمام موارد حاشیه زحمتکشان روستاها در برابر مالکین بوده‌اند. تشویق تعاونی‌های واقعی و نیرومند و حمایت نهادهای انقلابی از آنها یک مسئله حیاتی در این موارد است.

کلیه این موارد در گرو باز شدن گره اصلی و عمل قاطع هیئت‌های هفت نفری است. دهقانان این روستایی - صرانه در انتظار فعالیت‌های نهایی هیئت واگذاری زمین و اجرای قانون اصلاحات ارضی از سوی مقامات مسئول هستند. بر روی مالکیت مشاع، نمیتوان تعاونی واقعی را با استفاده از امکانات و وسائلی که از شرکت سهامی بجای مانده ایجاد کرد و نمونه واقعی انقلابی تعاونی را در شرایط جدید ارائه داد. دهقانان همچنین شرایط حساس کشور را بخوبی درک میکنند و آماده هستند تا آخرین نفس با مزدوران متجاوز بعضی بجنگند. رفع نابسا مانعها منجر به تقویت پشت جبهه خواهد شد. دهقانان صمیمانه از کمک نهادهای انقلابی مانند سپاه پاسداران و جهاد سازندگی سپاسگزار و تقدیر می‌کنند. بی‌صبرانه در انتظار و مصرا نه خواستار عمل قاطع هیئت هفت نفری هستند.

**بوقر آباد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق**



در جلسه دیروز مجلس شورای اسلامی، که روز گذشته به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، یکی از نمایندگان ضمن سخنانی تأکید کرد که شیطان بزرگ - آمریکا، در سدد استعجاله نظام ایران است.

در آغاز این جلسه، علی آقامحمدی، به‌عنوان اولین ناملق پیش از دستور، سخن گفت. وی ابتدا به طریقه ورود آمریکا به ایران اشاره کرد و سپس اظهار داشت:

«اینک شیطان بزرگ آمریکا همه تلاش خود را به کار می‌برد تا به ایران وارد شود. راه عبور و ورود شیطان بزرگ را فرآن نشان داده است: «من» نگویید من، بگویید مکتب من. تنها راه ورود آمریکا به ایران از طریق «مکتب‌هاست» من‌ها را کنار بگذارید».

**در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:**

**کودتای خزنده‌ای در کار است تا نظام جمهوری اسلامی ایران را استحاله کند**

**«من» را کنار بگذارید**

په وقتی مردم فریاد زدند مرگ بر شاه، همان‌هائی که امروز خیلی هم ادعایشان می‌شود، گفتند نگویید مرگ بر شاه، بگویید مرگ بر مکتب نخست‌وزیر!

ناملق سپس به تشریح نقش رضاخان میرنوح پرداخت و سپس گفت:

«من» باطل است و ماندنی نیست. امام نظام جمهوری اسلامی ایران از آن روز که امام شاعری را مطرح کرد، از آن روز که گفت هر که داد نژاد، هر تکب گناه گنیه شده است، فریاد زد: دشمن اصلی ما آمریکاست، شاه وسیله دست آمریکاست، از آن روز آمریکا نقشه کشید. مردم فریاد زدند مرگ بر شاه، همان‌ها که امروز هم خیلی ادعایشان می‌شود گفتند: نگویید مرگ بر شاه، بگویید مرگ بر نخست‌وزیر. اما امام گفت این شعار انحرافی است. بگویید مرگ بر شاه».

آقای محمدی اضافه کرد: «بعد سفارت آمریکا و کابینه (دولت موقت) در یک لحظه نقشه انجلاط مجلس خبرگان را کشیدند. امام گفتند: هیچکس نمی‌تواند و آنها عقب‌نشدند. اما قانون اساسی جمهوری اسلامی بدینصورت درست شد. آنها یک قانون اساسی نوشتند که در آن رئیس‌جمهور و قوه مجریه همه کاره بودند، اما این نشد. در این حکومت دیگر جای «من» نیست. باز «من‌ها» دیده شد. شیطان بزرگ در «من‌ها» دید و دمید».

**کودتای خزنده**

ناملق سپس خطاب به مردم گفت: «من می‌گویم کودتای خزنده‌ای در کار است تا نظام را استحاله کند و چیز دیگری بدهد. مردم! بدانید برای اینکه چنین شود، فیلمی خواهند

ساخت که کارگردان و هنریشگان مشخص است. ملت باید هشدار باشد و در این فیلم‌های از پیش ساخته شرکت نکند. در چنین فیلمی، که کارگردان و هنریشگان از قبل مشخصند، مردم نقش سیاه لشکر را برعهده خواهند داشت. ولی این خیال خام به‌گور خواهد رفت، که نظام جمهوری اسلامی را همانند مشروحه استحاله کنند، زیرا ما معتقدیم خلوص آن برادر ارتشی، آن برادر من در اداره که مخلصانه کار می‌کند، آن کارگران، آن کشاورزان و... این مردم سراپا عشق، هرگز اجازه چنین کاری را نخواهد داد».

وی در اینجا خطاب به امام خمینی گفت: «مردم حالت تو را می‌فهمند و می‌دانیم که باز سنگین بر دوش توست».

آقای محمدی در پایان سخنان خود گفت: «این خون ملت بود که ما را چنین کرد، و چه خوب گفت امام که رئیس‌جمهور، این مردم بودند که شما را از پاریس آوردند و رئیس‌جمهور کردند، نخست‌وزیر، این مردم بودند که شما را از زندان بیرون آوردند و نخست‌وزیر کردند».

صمد شجاعیان، دومین سخنران پیش از دستور جلسه - دیروز، در مورد انواع حکومت‌ها سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«حساب حکومت و جمهوری اسلامی از حساب افراد جداست. این مغالطه مذهب‌ست که وجود دارد».

وی سپس گفت: «قوه قضائیه تضعیف نکرده، قوه مقننه تضعیف نکرده، قوه مجریه تضعیف نکرده، حساب افراد از

این‌ها جداست. مثل ما مثل آن کسی نباشد که بالای درخت رفته و تیشه به ریشه درخت می‌زند».

پس از پایان نطق‌های پیش از دستور، حجت‌الاسلام‌هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس نذکرانی درباره امور داخلی مجلس داد و سپس گفت:

«عده‌ای از نمایندگان خواسته‌اند که باز مسئولین وزارت دفاع بیایند و گزارش کامل حدته طیس را به مجلس بدهند».

آنگاه براساس رای اکثریت نمایندگان مقرر شد که گزارش مربوط به طیس در اولین فرستادگی در یک جلسه‌علنی به مجلس داده شود.

صمد طرح دوفوریتی درمورد دیوان محاسبات توسط احمد صدر حاج‌سیدجوادی مطرح شد و درمورد آن بحث و بررسی بعمل آمد.

**پاسخ نخست‌وزیر**

آنگاه‌سوال احمد سلامتیان از محمدعلی رجایی‌نخست‌وزیر مطرح شد. سلامتیان درمورد انجام کلیه حکامات سه قوه با ادارات دولتی از طریق دفتر نخست‌وزیر، سؤال کرده بود. نخست‌وزیر در پاسخ به این سؤال با اشاره به اطلاعیه دولت در این مورد، گفت:

«باید بگوییم که این اطلاعیه دو بخش عمده دارد: یکی مربوط به کیفیت پاسخگویی به سؤال‌های ارگان‌های تازه پیدا شده و یا قدیمی، یکی هم اصل این مسئله که یعنی

اصلا دولت می‌تواند چنین سئوالی از هر ارگانی بکند یا نه. کمیسیون اصل ۹۰ هم‌اکنون احضار کردند و در این مورد توضیح دادند و گفتند که دولت از پاسخگویی هیچگونه اشکالی نمی‌بیند، جز اینکه طریقه پاسخگویی چگونه باید باشد».

نخست‌وزیر افزود: «چون مسئولیت جواب با دولت است، دولت باید در جریان قرار بگیرد. کمیسیون ۹۰ سؤال کرد که آیا این کار قانونی هست یا نه؟ در جواب گفتیم: کمیسیون اصل نود هنوز، آیین‌نامه‌ای برای پاسخ به سئوال‌ها ندارد، که اگر ما روشی را در پیش بگیریم، مغایر با آن باشد. یعنی طریقه پاسخگویی هنوز روشن نشده است... به نظر دولت پاسخ‌ها باید با اطلاع نخست‌وزیر باشد تا چنانچه اشکالی در پاسخ باشد، به علت بی‌اطلاعی آن مأمور، آن اشکال را رفع کند».

نخست‌وزیر سپس گفت: «در حال حاضر ارگان‌های جدیدی در کشور ما بوجود آمده‌اند که براساس قانون اساسی، کیفیت کار آن‌ها را قانون تعیین می‌کند. بر این اساس است دفتر رئیس‌جمهور و خود رئیس‌جمهور و رابطه‌اش با دولت، براساس قانون اساسی رئیس‌جمهور در کارهای اجرایی هیچگونه دخالتی ندارد و دولت مسئول اجراء است و مجلس دولت را مورد بازخواست قرار می‌دهد».

نخست‌وزیر سپس تأکید کرد که اسرار دارد تا وقتی شورای نگهبان است، جزئیات را در آن شورا مطرح کند، او آنگاه گفت:

«من در یک موضع بلا تکلیف هستم و گفته‌ام که یکی از مشکلات دولت اجرای قانون اساسی است».

وی افزود: «خیلی از موارد قانون اساسی برای اولین بار اجرا می‌شود».

پس از پایان سخنان نخست‌وزیر، احمد سلامتیان پشت میکرورف قرار گرفت و مجدداً سؤال کرد که وقتی یک فرد عادی می‌تواند با ادارات دولتی بطور مستقیم مکاتبه کند، چطور رئیس‌جمهور و سایر مسئولین نمی‌توانند؟

به‌دنبال توضیحات نماینده اسفهان، مقرر شد که کمیسیون رسیدگی به سئوال‌ها مجلس، به این موضوع رسیدگی کند. در پایان این جلسه اوبی جدید دولت به مجلس داده شد. جلسه بعدی مجلس امروز تشکیل می‌شود.

**ادامه سخنان نماینده وزارت دفاع در جلسه علنی یکشنبه مجلس:**

**در شهری کامیون و وانت منتظر رسیدن کماندوهای امریکائی بود**

دکتر مهران نماینده وزارت دفاع در پاسخ سئوال گل‌زاده غفوری، در جلسه علنی یکشنبه گذشته مجلس توضیحاتی داد. بخشی از سخنان در شماره دیروز چاپ شد. ادامه آن را در زیر می‌خوانید:

«... این دو هلیکوپتر از سطح مأموریت خارج می‌شوند. بقیه هلیکوپترها در حدود ساعت ۱۲ شب در رباط، نزدیکی پایتخت، در مجاورت فرودگاه که در سابق برای کشف و استخراج اورانیوم توسط امریکائی‌ها ساخته شده بود، پیدا می‌شوند. در همان نقطه قیلا هواپیماهای سی - ۱۳۰ پیاده شده بودند و تعدادی کماندو از هواپیماها پیاده می‌شوند. در همین لحظه راننده تانکری از جاده‌ای که از طرف یزد به طیس حرکت می‌کند، از آنجا عبور می‌کند. به او ایست میدهند و طبق اظهارات راننده تانکر، کسی که با او صحبت می‌کند، به زبان فارسی آشنا بوده است. راننده تانکر با تمهیدات فراوان خود را پنهان می‌کند و سپس به طیس می‌آید و به ژاندارمری گزارش میدهد، که در بخش دوم هواپیماها روی زمین بودند، اتوبوسی از طرف یزد حرکت می‌کرده، که جلوی اتوبوس را هم

میکرند و تمام سرنشینان اتوبوس را پیاده می‌کنند و بطرف هواپیماها می‌آیند، ولی دوباره آنها را برمیگردانند و نگهبانان که اطلاعات را بجائی‌نبردند و جریان طیس منتشر نشود. در همین موقع ۶ هلیکوپتر از هواپیما سی - ۱۳۰ پتین گیری می‌کنند. برنامه چنین بوده است که ساعت ۱۱ بعد از نیمه‌شب، بعد از پتین گیری هلیکوپترها، به طرف تهران حرکت کنند و در نزدیکی گرمسار پتین بنشینند. این هلیکوپترها قرار بود کماندوها را در آنجا پیاده کنند و هلیکوپترها تحت حفاظت عده‌ای در آنجا قرار گیرند و استوار شوند و اگر هم دیده می‌شدند، چون با علامت ایران و پرچم ایران بودند، کسی مزاحم آنها نشود و فکر کنند متعلق به ارتش ایران است.

برنامه بعدی چنین بوده است، البته این مسئله تاریخی است و بایستی دقیقاً ثابت شود که بعد مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد. برای افراد کماندو نشی دستگاه کامیون و وانت با نمره‌های موقت و نو در گاراژی در نزدیکی پایتخت مستقر بود. قرار بود کامیون، را بیاورند در نقطه‌ای بین تهران و شهری که محلش هم تقریباً برای ما مشخص شده و پس از در حدود ۲۰ ساعت

استراحت و اختفا ساعت ۲۴ فردا مأموریت خود را انجام دهند. مسیر حرکت آنها با این شکل مشخص شده که، از خیابان انصاریه به طرف نارنگ در بزرگراه رسالت قرار می‌گیرند و از آنجا به پل سیدخندان و بزرگراه مدرس و از آنجا با همان کامیون‌ها و وانت‌ها به منزلی در پشت‌ساعت آمریکا می‌آیند و عملیات خود را به وسیله وسائلی که در هواپیما بوده و آقای خالقی هم آن‌ها را با آن وسائل عملیات آزاد کردن گروه‌ها را انجام دهند».

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی ضمن تذکر درباره انام. وقت دکتر مهران، از جمله چنین گفت: «گزارشی هم که ایشان می‌دهند، البته گزارش دقیق نیست، یعنی آن مقدار که من در جریان بودم و میدانم، چندین برابر این است، یعنی خود آن گزارش را اگر بخواهد دقیقاً داده شود، ۴ ساعت، هر ساعت طول میکشد. اینها چیزهایی است که اکثر ادروزنامه‌های آن زمان منتشر شده است».

سپس با نظر خواهی از نمایندگان، گزارش کامل جریان تجاوز نظامی آمریکا در طیس و جریانات وابسته به آن، به نظر نمایندگان مجلس و مردم ایران برسد.

**باید از نفوذ خط...**

بقیه از صفحه ۱

جاسوسها، فرصت به مار زخمی است، فرصت به لیرال است».

در بلاکارد دیگری از مجلس شورای اسلامی خواسته شده بود برای بیرون بردن آواکسهای شیطان بزرگ از بیست‌سومدی، ضرب‌الاجلی تعیین کنند همچنین با هوشتیاری کامل، توطئه «آزادی» لیرال را خنثی کند. در این مراسم مردم شعار می‌آوردند:

خون حسین می‌خوشد، خنثی می‌خوشد، منافق و سازشکار، مخالف روحانی، از مجلس اسلامی، اخراج باید گردد».

در ابتدای این مراسم یکی از دانشجویان ضمن سخنانی از جمله گفت:

«زمنه شو و نگین کنار گذاشتن روحانیت مبارز و متعهد و پیرو خط امام و توهین و هتاک به عزیزترین شخصیت‌های مورد اعتقاد امام از توطئه‌های فرصت طلبان لیرال است».

**جلوگیری از نفوذ خط آمریکا در انقلاب**

بعد از این سخنرانی، حجت‌الاسلام معادینخواه، نماینده مجلس شورای اسلامی ایران، پشت تریبون قرار گرفت و مطالبی را در زمینه جریانات روز بیان کرد. وی ضمن اشاره به توطئه ایجاد جنجال در شرایط فعلی گفت: «این توطئه‌ها از زبان فتنه‌پسندان قبیل حضرت آیت‌الله منتظری در رابطه با جنجال‌هایی که با حساب در شرایط فعلی بوجود آمده است، شنیدیم که «مرگ بر آمریکا» را فراموش نکنیم و من با الهام از سخنان امام و امت می‌خواهم روی این نکته اساسی تکیه کنم... به هوش باشیم، «مرگ بر آمریکا» را فراموش نکنیم. ولی آیا مرگ بر آمریکا، بتواند یک شعار تو خالی از هر موضعی و هر خطی که مطرح شد، می‌تواند مانع نفوذ آمریکا شود... آمریکا با فقط «مرگ بر آمریکا» از ایران بیرون نمی‌رود و طرح‌هایی از انقلاب قطع نمیشود. در مقاله با این شیطان بزرگ، که همه نیروی خود را بسیج کرده برای سرنگونی انقلاب ما، کسی بیسی‌توجهی، مختصری غفلت، کمی مسامحه در این شرایط می‌تواند به خط آمریکا امکان نفوذ در این انقلاب بدهد. ما باید از نفوذ خط غرب و خط آمریکا در این انقلاب جلوگیری کنیم».

حجت‌الاسلام معادینخواه در

**لهستان، سوسیالیستی...**

بقیه از صفحه ۱

قسمت دیگری از سخنان خود، ضمن اشاره به جنگ تحمیلی و لزوم بسیج تمام نیروها برای پیروزی در آن گفت:

«مسئله بسیار حساس دیگر اینکه باید همه نیروها را بسیج کرد و همه امکانات را به کمک گرفت که هرچه زودتر این جنگ به نفع نیروهای اسلامی پایان یابد».

حجت‌الاسلام معادینخواه افزود: «فرصت طلبان و عوامل غرب سعی می‌کنند به هر بهانه‌ای و با هر شعاری خطی امروز را تعقیب کنند. روی این خط باید حساس بود و ملت ما حساس است و حق دارد حساس باشد. اصنام حساس است و حق دارد حساس باشد».

حجت‌الاسلام معادینخواه در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «ملت ما، انقلابیون ما، از همه آن چیزهایی که رنگ و بوی غرب چنانگر در آن است، می‌ترسند و حق دارند ترسند. این حساسیت را باید حفظ کرد و مورد بهره‌برداری قرار نداد و باید هدایت کرد و از هر نفع‌هایی که میخواهد اینرا مبتذل و غیرعلمی وانهود کند جلوگیری کرد».

حجت‌الاسلام معادینخواه آنگاه به توطئه‌های مختلف برای درهم شکستن انقلاب و «شکستن» خط امام اشاره کرد و گفت: «همه توطئه آمریکا اینست که بر صورتی که می‌تواند این خط را بشکند و اگر نتوانست، به صورتی در آن نفوذ کند. باید با تمام قدرت بایستیم و از نفوذ در این خط جلوگیری کنیم».

**توطئه لیرال‌ها**

حجت‌الاسلام معادینخواه ضمن اشاره به توطئه‌های لیرال‌ها، هنگام تمسویب قانون اساسی در مجلس خبرگان و تأکید بر هم‌آرایی آن نفع‌ها یا نفع‌های لانه‌جاسوسی آمریکا گفت:

«آنها (لیرال‌ها) می‌خواهند کاری کنند که برای آمریکا نفوذ در ایران مواجه با مقاومت جدی و ریشه‌ای نباشد... امام را نصیحت می‌کنند که با درس‌خوانده‌ها مخالفت نکن. امام با درس‌خوانده‌ها مخالف است! امام با علم و دانش و دانشگامی مخالف است! قلب امام برای دانشجوی مسلمان متعهد که در برابر آمریکا بایستد، نمی‌تپد. شما غصب علم را نخورید... امام و رهروان خط امام با درس‌خوانده‌ها مخالف نیستند. مخالفت با شما غرب‌زده‌های میان تپ و بی‌شخصیت است».

**لهستان، سوسیالیستی...**

بقیه از صفحه ۱

اصرار می‌ورزند تا از آب گل‌آلود ماهی بگیرند، هرگونه راه حل سازنده‌ای را تخطئه کنند و یا رهبری سیاسی - سازمانی ویاری مالی - تبلیغاتی امریالیسم و ارتجاع بین‌المللی، به فعالیت‌های ضدانقلابی خود دامن زنند. البته اربابان امریالیستی این عناصر ضدسوسیالیست، ویژه کاشفیدشتیان، نیک می‌دانند که براندازی نظام سوسیالیستی در لهستان، در بهترین حالت، دروبای شیرینی، بیست نیست، لیکن قصد آنها آنست که با جلوگیری از حل بحران کنونی در لهستان، بروخامت اوضاع بیفزایند و سپس با سوء استفاده از این بحران، تمام دستگاه تبلیغاتی خود را چندمباحی علیه گردانند تا بتوانند جنبش انقلابی جهانی، ویژه جامعه شورهای سوسیالیستی، بکار اندازند، چنانکه مدتی است در این زمینه بکار انداخته‌اند.

اما چنانکه رهبران حزبی و دولتی شورهای عضویمان‌ورشو در اجلاس اخیر خود در مسکو ابراز اطمینان کردند: «کمونیستها، طبقه کارگر و همه زحمتکشان لهستان می‌توانند بی‌خوبی با مشکلات کنونی مقابله کنند، بر مشکلات پیروز شوند و تحول هرچه بیشتر لهستان را بتوانون یک کشور سوسیالیستی تأمین کنند».

اجلاس مسکو همچنین تأکید کرد که: «لهستان سوسیالیستی» حزب متحد کارگری لهستان، و مردم آن می‌توانند بر روی همبستگی برادرانه و حمایت دیگر کشورهای عضو پیمان ورشو حساب کنند».

کارگرای لهستان، در اجلاس مسکو تأکید کردند که: «لهستان یک کشور سوسیالیستی بوده، هست و خواهد بود».

می‌تواند یک حلقه نیرومند در خانواده کشورهای سوسیالیستی باقی خواهد ماند».

اعلام این واقعیت از جانب کشورهای سوسیالیستی عضویمان ورشو و نمایندگان دولت و حزب متحد کارگری لهستان، با شکیبایی و بی‌گیری اصولی مصمم است که گام‌های عملی و مشخصی را در راه غلبه بر مشکلات کنونی بردارد. اما این تحولات نشان داد که عناصر ضدسوسیالیست نیز همچنان

**جوانان عراق علیه...**

بقیه از صفحه ۱

خلقه‌های منطقه و جهان را به مخاطره می‌اندازد. این جنگ ناشی از تمایلات شوم دیکتاتوری است که پس از پاكشدن منطقه از لوت وجود شاه معدوم، آزوری ژاندارمی منطقه خلیج را درس می‌بروراند. این جنگ تالاسی مذبح‌خانه است برای خاموش کردن آن خیزش انقلابی که توسط انقلاب مردم ایران در منطقه ایجاد گردیده.

جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام، ادامه سیاست سرکوب‌گرانه آن علیه مردم و نیروهای میهن‌دوست و خلق‌های عراق، ادامه روش خصومت‌آمیز آن علیه جبهه پایداری سوسیالیست‌های خرابکارانه آن‌همه سوریه، یمن، مکزیک، آیتک، جنبش مقاومت فلسطین و جنبش‌های رهایی‌بخش منطقه است. این جنگ ادامه همان سیاست اتحاد و بیوند رژیم صدام با رژیم شاه مخلوع و حمایت مادی و معنوی از جلادان ساراک و

بتایای رژیم سلطنت است. سیاسی که توسط سادات، آمریکا و اسرائیل نیز دنبال می‌شود. این جنگ ادامه اتحاد رژیم بغداد با خانواده‌های فاسد حاکم بر عربستان سعودی، اردن و شیخ‌نشین‌های خلیج است. این جنگ ادامه وابستگی سیاسی و اقتصادی رژیم عراق به سرمایه جهانی و جدایی وی از متحدین ملیمی مردم ما - کشورهای سوسیالیستی و جنبش‌های رهایی‌بخش ملی- است.

ما این جنگ تجاوزکارانه را محکوم می‌کنیم و تأکید می‌ورزیم که منافع خلق‌های عراق و ایران و مصالح مشترک آنان در مبارزه علیه امریالیسم، سبوینیسم و ارتجاع پتترین شالوده برای حل مسایل مورد اختلاف است.

ما از جوانان د همه نیروهای میهن‌دوست (عراق)، از همه آنانی که امر صلح برایشان گرامی است، می‌طلبیم که در جهت پایداری این جنگ تجاوزکارانه عمل کنند و به مبارزه علیه آنترافرزان این جنگ برخیزند.

هیئت دبیران فدراسیون جوانان دمکرات عراق بغداد اکتبر ۱۹۸۰

# راستگرایان در انتخابات ریاست جمهوری پر تغال شکست خوردند

نخستین گزارش از نتایج انتخابات ریاست جمهوری پرتغال حاکی از آنست که پرزیدنت آنتونی باردیگر به این سمت برگزیده شده است. همانگونه که حزب کمونیست پرتغال در آستانه این انتخابات یادآور گردید، رای مردم پرتغال میتوانست در سرکوشش آتی پرتغال تأثیر بسزایی داشته باشد. چه، هواداران راستگرای «ائتلاف دمکراتیک» ترانسته بودند، از جمله در پرتو انحصار خود بر رسانه های گروهی استفاده از بودجه ملی برای تبلیغات انتخاباتی، اکثریت کرسی های پارلمانی را، در نتیجه دولت را در اختیار خود درآوردند. پس از این پیروزی، راستگرایان تعرض خود را برای دستیابی به دیگر نهادهای دولتی، بریزه ریاست جمهوری (و همراه با آن شورای انقلاب) ادامه دادند. هدف آنها این بود که با تسخیر این نهادها، نرسیده نهای و مهلبک را بریکه انقلاب آوریل و دستاوردهای آن، که، علیرغم دستبردهای

بسیار ارتجاع، هنوز سرشت اصیل خود را حفظ کرده اند، وارد آورند. یکی از علل پیروزیهای ارتجاع پرتغال تاکنون، نبود اتحاد و وحدت عمل نیروهای دمکراتیک بوده است، که رهبران راستگرای حزب سوسیالیست پرتغال و بویژه شخص ماریو سوارش دیرکل این حزب، سالهاست به آن دامن میزدند. در ادامه این روش نفاق افکنانه، ساریوسوارش، رهبر حزب سوسیالیست، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری با تصمیم حزب خود، مبنی بر پشتیبانی از گزینش دوباره پرزیدنت رامالیوانتشی به مخالفت برخاست، و پس از آنکه اکثریت رهبری حزب سوسیالیست مشی او را تأیید نکرد، «موتاه» از سمت دبیری کل «حزب» استعفا داد. حزب کمونیست پرتغال، که همواره در راه وحدت عمل نیروهای مترقی و دمکراتیک، برای دفاع از حقوق و آزادیهای دمکراتیک و

دستاوردهای «انقلاب میخک» رزمیده است، وظیفه این نیروها را جلوگیری از انتخاب سوارش کاتیرو، نامزد «ائتلاف دمکراتیک» خواند. آوارو کوئیل، رهبر حزب کمونیست پرتغال، در یکی از اجتماعات بزرگ انتخاباتی حزب در اوایل مه ماه ۵۹ گفت: «مهمترین وظیفه نیروهای دمکراتیک کشور شکست زغال سوارش کاتیرو، تمزدگروه های حاکم راست است». کوئیل در همین سخنرانی افزود: «پیروزی زغال رامالیوانتشی، رئیس جمهوری کنونی، می تواند شکستی برای راستگرایان باشد و تلاش های گروه های حاکم راستگرا را برای از بین بردن دستاوردهای انقلاب و روند دمکراسی سد کند». حزب کمونیست پرتغال، بسبب بحران عمیق، که دامنگیر حزب سوسیالیست شده بود و برای روشننگری و بسیج مردم، افضای

تفرقه افکنی های موارا جیب و مبارزه رویارو با ارتجاع، در «کنفرانس ساکاو» نخست تصمیم گرفت که کارلوس بریتوش، رهبر فراکسیون پارلمانی حزب کمونیست، را بعنوان نامزد ریاست جمهوری برگزیند. حزب کمونیست پرتغال میخواست، از این طریق، همکاری میان نیروهای دمکراتیک و همبستگی آنها را با توده مردم تحکیم بخشد. «کنفرانس ساکاو»، در عین حال، به کمیته مرکزی اجازه داد که، در صورت تغییر شرایط، به واکنش مناسب بپردازد و احتمالاً مردم را به پشتیبانی از نامزد دیگر فراخواند. بدینسان بود که، حزب کمونیست پرتغال، پس از استفاده از کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری برای بسیج توده های مردم پرتغال علیه پیشتر ارتجاعی «ائتلاف دمکراتیک» و نماینده آن، سوارش کاتیرو، از نامزد مستقل خود،

بسیار رامالیوانتشی صرف نظر کرد. بدینسان رامالیوانتشی، بیش از همه، با رای هواداران حزب سوسیالیست و «بویوانتشی» (خلق متحده) - که در آن حزب کمونیست پرتغال نقش رهبری کننده را بعهده دارد - بار دیگر به ریاست جمهوری پرتغال برگزیده شد. انتخاب مجدد آنتانی، که بگفته آوارو کوئیل تاکنون عمدتاً «برای حفظ دستاوردهای انقلاب و قانون اساسی» تلاش کرده است، چشم انداز امیدبخشی را برای اتحاد نیروهای دمکراتیک و ضدفاشیست در راه پاسداری از دستاوردهای انقلاب آوریل و سد تعرض ارتجاعیون میسکاید. این پیروزی، از سوی دیگر، مشت محکمی است بر دهان نفاق افکنان چون ماریوسوارش، که سالهاست با فعالیت های زیانبار خود در راستای منافع ارتجاع پرتغال و حامیان بین المللی آنها کام بر میدارند.

## کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

«کمک به حزب پدرمان» آتوسا و آذین مبلغ ۵۰۱۱ ریال موجودی قلم خود را به عنوان کمک به حزب پدرشان تقدیم کرده اند. آتوسا و آذین طی نامه ای برای «حزب پدر» نوشته اند: «من آتوسا ۱۱ ساله و خواهرم آذین ۹ ساله با هدیه تری در قلمکمان پولی جمع کرده بودیم، تا برای پدرمان، پس از فرا رسیدن نتیجه کفش بخریم، ولی به این نتیجه رسیدیم که این مبلغ ۵۰۱۱ ریال را به حزب پدرمان تقدیم کنیم. زنده باد جبهه متحد خلق ما!»

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام قتی کیمش ربه شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه همدان)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بپردازند.

## پیام سازمان جوانان توده ایران به اتحادیه عمومی دانشجویان در جمهوری عراق (گوسو)، به مناسبت تروریکی از اعضای آن توسط جلادان رژیم صدام!

دوستان عزیز! با تأسف بسیار از ترور اسد ابلاهی، عضو اتحادیه عمومی دانشجویان در جمهوری عراق (گوسو) به دست مزدوران رژیم صدام حسین در بیروت اطلاع پیدا کردیم. رژیم ضد خلقی حاکم بر عراق می گوید تا با توسل به این اقدامات وحشیانه، بیگانه دلوران جوانان و دانشجویان دمکرات و مبین دست عراق را سرکوب کند و از اوج گیری جنبش علیه دیکتاتوری دارودسته صدام حسین جلوگیری نماید. رژیم بعث عراق، که در سرانجام انفرادی کام نبوده است، سعی می کند با دنبال کردن سیاست «بمشی کردن» اجباری، چند صباحی بر حیات ننگین خود بیفزاید. دستگیری، شکنجه و اعدام جوانان و دانشجویان مترقی و مبین دست عراقی تنها به جرم مخالفت با رژیم صدام، به یک امر عادی در عراق تبدیل شده است. «سازمان جوانان توده ایران» این جنایت تازه رژیم ضد خلقی عراق را به شدت محکوم می کند و بار دیگر همبستگی رزمجویانه خود را با اتحادیه عمومی دانشجویان در جمهوری عراق و هم جوانان و دانشجویان مترقی عراق اعلام می دارد. تحکیم صفوف همه نیروهای ضد امپریالیست و مترقی عراق علیه رژیم حاکم، که با تجاوز راهزانه به ایران انقلابی بطور کامرئاق از چهره برداشت، پایان سلطه ننگین دارودسته صدام حسین و همه مزدوران امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم امریکا را، نزدیک ساخته است. زنده باد اتحاد جوانان انقلابی جهان در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع! با دروهای فراوان

سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹ ر ۱۳

## قبرس در آستانه انتخابات: مواضع سیاست حزب ترقیخواه زحمتکش قبرس

کتر از یکسال پیش از آنکه مردم قبرس بپای صندوق رای بروند و پارلمان جدید آن کشور را برگزینند، «حزب ترقیخواه زحمتکش قبرس» (آکل) برنامه انتخاباتی خود را چند روز پیش منتشر ساخت. در این سند، «آکل»، که توانا ترین نیروی سیاسی قبرس بشمار میرود، همچون گذشته، میگوید تا برای مسائل بنیادی چون، استقلال ملی، وحدت، حاکمیت تمامیت ارضی و در راه پیشبرد منافع طبقه کارگر و همه زحمتکش قبرس راهلهایی سازنده ارائه دهد. «آکل»، در برنامه انتخاباتی خود، بار دیگر تصریح میکند که حل مسئله قبرس تنها از طریق رعایت اکید قطعنامه های سازمان ملل متحده، یعنی شناسایی قبرس بعنوان جمهوری واحد، حاکم بر امور خویش، مستقل، غیرمتصد و بری از پایگاه های نظامی، میسر است. «حزب ترقیخواه زحمتکش قبرس» خسروی خود را از تجدید مذاکرات میان یونانی ها و ترک های قبرسی، پس از یکسال وقفه، ابراز می دارد و دوطرف را فرامی خواند تا با واقع بینی خود به تهر بخشی این گفتگوها کمک کنند. یادآور می شویم که کمونیست های قبرسی نیز در سرگیری این مذاکرات سهمی داشته اند. در برنامه انتخاباتی گفته میشود که «آکل» به سودمندی این مذاکرات اعتقاد دارد و از آن پشتیبانی خواهد کرد. لیکن ضروریست که این مذاکرات را بر پایه برنامه چهارماده ای، که سه سال پیش مان اسقف اعظم ماکاریوس، رئیس جمهوری فقید قبرس، و رونف- زنتکش، رهبر سکنه قبرسی های ترک نژاد، به توافق رسید، تدارک دید. توصیه «آکل» به دولت قبرسیانو رئیس جمهور کنونی کشور آست که «چه زودتر با قه بن پیش نویس قانون اساسی، که تشکیل داریونی عوملفه ای را تسجیل کند، به مذاکرات کنونی، محتوی مشخص بخشد. «آکل»، از سوی دیگر، تأکید میکند که هیچگونه پندار واهی درباره ماهیت ارتجاعی و شوونیستی برخی از محافل قبرسی ترک نژاد و نیروهای امپریالیست پشتیبان آنها ندارد. این محافل حاضر نیستند از نقشه های خود پیرامون تقسیم جزیره و سوء استفاده از آن برای پیشبرد هدفهای تجاوزکارانه شان دست بردارند. از اینرو باید چه در پهنه ملی و چه در کستره بین المللی، هرچه بیشتر به تقویت آن نیروهای برداخت، که صادقانه خواستار حل مسالمت آمیز و

## تظاهرات وسیع مردم ایرلند شمالی در اعتراض به سیاست سرکوب و فشار امپریالیسم انگلستان

در روزهای اخیر، در شهرهای مختلف ایرلند شمالی، تظاهرات دامنه داری علیه سیاست سرکوب و فشار مقامهای انگلیسی در این سرزمین برگزار شده است. از جمله تظاهرات باشکوهی علیه اشغال ایرلند شمالی بوسیله انگلستان برگزار شده و تظاهرکنندگان همبستگی خود را با هفت زندان مرد و سه زندانی زن ارتش جمهوری خواه ایرلند ابراز داشتند.

حکومت اشغالی انگلستان در ایرلند شمالی، هزاران تن از مردم مبارز این سرزمین را به زندان انداخته است. زندانیان خواستار آنتد که از وضع زندانیان سیاسی برخوردار شوند.

## به نشانه اعتراض به اخراج شهرداران فلسطینی تظاهرات عظیمی در فلسطین اشغالی برگزار شد

در اسرائیل تظاهرات عظیمی به نشانه اعتراض به اخراج شهرداران الخلیل و خلحول انجام گرفت. تظاهرکنندگان تصمیم دولت اسرائیل درباره بلا تغییر بودن حکم مقامات اشغالگر مبنی بر اخراج این شهرداران را محکوم کردند.

نیروهای اسرائیلی برای پراکنده کردن تظاهرات از اسلحه گرم و گاز اشک آور استفاده کردند. عده ای از تظاهرکنندگان نیز بازداشت شدند. نمایندگان کشورهای عربی در مقر سازمان ملل متحد اعلام کردند که هدف از این اقدامات غیرقانونی اسرائیل، در واقع محروم ساختن مردم فلسطین از رهبرانشان است.

## احزاب انقلابی مکزیک از سازمان ملل خواستند به قتل ۶ رهبر السالوادور رسیدگی کند

احزاب و سازمانهای انقلابی و مترقی مکزیک از سازمان ملل خواستند به قتل ۶ رهبر انقلابی السالوادور که توسط دارودسته نظامی آمریکائی این کشور به قتل رسیده اند رسیدگی کند.

حزب کمونیست مکزیک، کنفدراسیون زحمتکش مکزیک، دیگر گروه های مترقی، نویسندگان، شاعران و هنرمندان مکزیک ضمن اعلام همبستگی به خلق السالوادور این جنایت را محکوم کرده اند. جبهه دمکراتیک انقلابی در پیانه ای در مکزیکو اعلام کرد هر اقدام تروریستی تنها می تواند اراده مردم را در مبارزه علیه نظامیان آمریکائی السالوادور راسخ تر کند.



## گام مهم دیگری در تثبیت انقلاب افغانستان: ایجاد تعاونی های روستایی و اجرای برنامه های اصلاحات ارضی در افغانستان

گزارش های رسیده از افغانستان حاکی از آن است که ایجاد تعاونی های روستایی در این کشور هم راه اجرای برنامه اصلاحات ارضی با سرعت فراوانی پیش میرود. با توجه به این واقعیت که بیش از ۸۰ درصد مردم افغانستان در روستاها زندگی می کنند، ایجاد تعاونیهای روستایی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. دهقانان افغانی که از زیر بار ستم ثروتمندان بیرون می آیند، اکنون با امیدواری بسیار به آینده می نگرند.

روزنامه «حقیقت انقلاب تور» نوشته است: «سند انقلاب و فتوایهای فراوی، که در پاکستان مستقر شده اند، اعضای تعاونیها را دشمنان اصلی خود می دانند».

## برژینسکی هدف سیاست آزادیخواهان را وحشیانه آمریکا را در خاورمیانه شرح میدهد

برژینسکی، مشاور امنیت ملی کازری، در یک سخنرانی در مونتreal (پایتخت کانادا) چگونگی تشکیل یک اتحادیه جدید نظامی در خاورمیانه و خلیج فارس را تشریح کرد. امپریالیسم آمریکا منطقه خاورمیانه را حوزه «منافع حیاتی» خود می داند. برژینسکی در سخنرانی خود، ضمن تأکید بر این نکته، مستقیم و غیر مستقیم، توضیح داد که هدف اصلی تأمین منافع انحصارات نفتی است.

## گزارش کارتر شامل همه چیز می شود غیر از واقعیات!

جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا، گزارشی درباره اینکه دولت ایالات متحده آمریکا از توصیه های سند نهایی کنفرانس امنیت اروپا در هلستینکی پیروی می کند، به کتکره این کشور ارائه داد. در این سند، این واقعیت که خلطی دولت کنونی آمریکا در مورد وختام تشنجات بین المللی با تصمیمات مشترک هلستینکی متناقض است، کاملاً مخفی شده است. در این سند نه از حضور بر سابقه نظامی آمریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند و نه از قصد آن برای استقرار موشکهای جدید هسته ای آمریکا در اروپای غربی سخن به میان نیامده است. این گزارش همچنین شامل توطئه ها و تجاوزات نظامی آمریکا در ایران و مداخله جویی در سایر کشورها نمی شود.

## بلا بردن سطح رفاه خلق و کوشش برای صلح، اصول اساسی برنامه پنجساله جدید اتحاد جماهیر شوروی است

برنامه پیشرفت اقتصادی - اجتماعی اتحاد شوروی، که از سوی کمیته مرکزی حزب کمونیست این کشور برای سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ و تا ۱۹۹۰ تهیه شده، برای بحث عمومی در سرتاسر کشور منتشر شد. این برنامه در کتکره ۶۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی، که در توریه آینده برگزار می شود، مورد بحث قرار خواهد گرفت. طبق این برنامه، هدف عمده سیاست اقتصادی حزب، بالا بردن سطح رفاه مردم تعیین شده و چهار پنجم درصد درآمد ملی برای تأمین مصرف عموم مردم تعیین گشته است. میزان دستمزد کارگران و کارمندان، ملی سالهای اجرای برنامه، ۱۳ تا ۱۶ درصد افزایش می یابد و این در حالیکه قیمت کالاهای عمده مصرفی ثابت خواهد ماند. میزان حقوق بازنستسگی و مدد معاشی پرداخت دولت به خانواده ها افزایش یافته و بیشتر از وضع آموزش و بهداشتی و تأمین نیازمندیهای دیگر اجتماعی مورد توجه خاص قرار خواهد گرفت. طبق مفاد این برنامه، در پنجساله آینده، بیش از ۵۰ میلیون تن از مردم شوروی به آپارتمانهای نوساز منتقل خواهند شد و حجم فرآورده های صنعتی ۲۵ درصد افزایش می یابد. در بخش دیگری از این برنامه، بهره برداری از منابع طبیعی مناطق خاوری کشور در مقیاس وسیع و نیز بهره برداری از نیروگاههای انرژی اتمی نیز پیش بینی شده است. در برنامه، پیشنهادی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی «مجموعه رفاری خدشه ناپذیر اتحاد شوروی به صلح و اصول همنیستی مسالمت آمیز مورد تأکید قرار گرفته است.

**نامه مردم**  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دشت نامه مردم)  
هنوز در اختیار نامه مردم نیست

**NAMEH MARDOM**  
No. 390  
9 December 1980

Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران